روزنامه اطلاعات روز
668 | Wednesday | 17 Sep, 2014 | Year 03 | Price: 10 Af | قیمت: ۱۰ افغانی | سال سوم | ۲۶ سنبله، ۱۳۹۳ | چهارشنبه | ۶۶۸

دشمن اشتباهی
انفجار نظامی‌گری در پاکستان

کلونل امام در ماه مارچ سال ۲۰۱۰ با یک تن دیگر به نام خالد خواجه که او نیز کارمند پیشین آی‌اس‌آی بود، یک ژورنالیست بریتانیایی و یک راننده، به مناطق قبایلی این کشور سفر کرد. آن‌ها توسط یک گروه که پیش از آن ناشناخته بود و خود را ببرهای آسیایی نام گذاشته بودند، توقیف شدند. ژورنالیست و راننده احتمالا با پرداخت فدیه، بعد از ماه‌ها اسارت آزاد شدند. اما کلونل امام و خواجه به اتهام جاسوسی برای حکومت و امریکایی‌ها، به قتل رسیدند. با وجود سال‌ها معاشرت و آشنایی‌اش با گروه‌های شبه‌نظامی و تلاش‌های آی‌اس‌آی از طریق رهبران طالبان، ملا عمر و سراج‌الدین حقانی، کلونل امام در ماه جنوری ۲۰۱۱ به تیر بسته شد. رهبر طالبان پاکستان در آن زمان، حکیم‌الله محسود، از جریان اعدام او نظارت کرده بود. اعدام کلونل امام، فلم‌برداری و در دی‌وی‌دی پخش شده بود. جنبش طالبان اکنون، افراد خودش را می‌بلعید. با آن‌که شبه‌نظامیان در برابر اربابان‌شان ایستاده بودند، جنرالان پاکستانی به جای سرکوب، تلاش کردند که آنان را استفاده کرده و به سوی اهداف دیگر سوق دهند.

صفحه ۵

وزیر دفاع:
نزدیک به شش هزار عملیات طالبان خنثا شده است

صفحه ۲

میراث محمود و حامد برای دو همسایه
از روابط با عمو قهار

صفحه ۳

چرا نامزدان نمی‌توانند به توافق برسند؟

صفحه ۴

کانکور خزانی

موسسهٔ تحصیلات عالی آریانا به تاریخ ۲۸ سنبله ۱۳۹۳ در شهر کابل و به تاریخ ۱۵ میزان ۱۳۹۳ در شهر جلال آباد اخذ می گردد!
ثبت نام همه روزه از ساعت ۷:۰۰ الی ۷:۰۰ بعد از ظهر جریان دارد.

✓ آشنایی با موسسهٔ تحصیلات عالی آریانا

موسسهٔ تحصیلات عالی آریانا یک کانون تحصیلی خصوصی بوده که در سال ۱۳۸۳ در شهر پشاور جمهوری اسلامی پاکستان جهت فراهم سازی زمینه تحصیلات عالی برای فرزندان مهاجر افغان با داشتن چهار پوهنځی طب معالجوی، انجنیری، اقتصاد و حقوق و علوم سیاسی بنیاد گذاشته شد و طی مدت ۱۳ سال صدها جوان از پوهنځی های یادشده فارغ و جهت خدمت به جامعه افغان تقدیم نموده است. این موسسهٔ تحصیلی در سال ۱۳۹۰ از پاکستان به داخل کشور انتقال محصلین آن با پوهنتون گردیز مدغم گردید در سال ۱۳۸٦ موسسهٔ تحصیلات عالی آریانا رسماً با اخذ جواز در شهر جلال آباد ولایت ننگرهار فعالیت خویش را آغاز نمود که طی این مدت زمانی چهار دوره از پوهنځی های اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی و یک دوره از محصلان پوهنځی طب معالجوی فارغ گردیده اند.

✓ در موسسهٔ تحصیلات عالی آریانا تدریس مطابق به معیارهای جهانی بوده و دارای امکانات زیر میباشد.
۱. کریکلم (مفردات) مطابق به کریکلم پوهنتون کابل
۲. استادان به سویه ماستر و دوکتورا
۳. محل مناسب جهت تدریس
۴. صنف معیاری و استندرد در زمستان محهز به سیستم گرم‌کن و در تابستان با سیستم سردسازی.
۵. لابراتوارهای مجهز با وسایل و تجهیزات مدرن به منظور کارهای عملی.
٦. کتابخانه مجهز
۷. انترنت ۲۴ ساعته.
۸. اطاق کمپیوتر لب.
۹. تدریس به وسیله تکنالوژی معاصر
۱۰. داشتن شفاخانه کادری برای محصلان پوهنځی طب و همچنان قرارداد با شفاخانه گلف، کیشا و مطب برای دوره ستاژ.
۱۱. شعبه نشرات جهت چاپ لکچرنوت ها و سایر موضوعات علمیر
۱۲. اطاق کنفرانس جهت ارایه سیمینارهای علمی.
۱۳. کانتین و کافه تریا
۱۴. ساحه پارکینگ برای وسایط.
۱۵. ساحه باز برای تفریح محصلان

✓ ایجاد شفاخانه تدریسی آریانا دانشمل

موسسهٔ تحصیلات عالی آریانا جهت بلند بردن کیفیت پروسه درسی و کار عملی محصلین در سال ۱۳۸۹ شفاخانه تدریسی آریانا دانشمل را در شهر جلال آباد با تجهیز مدرنترین سامان آلات طبی ایجاد نمود که با داشتن شعبات جراحی عمومی، داخله اطفال، عقلی و عصبی، گوش و گلو، نسائی ولادی، ستوماتولوژی، زمینه کار عملی را برای محصلین فراهم و در زمینه عرضه خدمات صحی معیاری به هموطنان مصروف فعالیت می باشد. ضمن این شفاخانه جدیداً در شهر کابل با موافقت وزارت صحت عامه کشور شروع به فعالیت نموده است. همین اکنون موسسهٔ تحصیلات عالی آریانا همه روزه طبق پلان محصلان صنف سوم پوهنځی طب بخاطر انجام کارهای عملی در آن شفاخانه مصروف آموزش بخش های مسلکی و تخصصی خویش اند.

آدرس کابل: شهر کابل، چهارراهی سرسبزی مقابل شفاخانه گلف و کیشا/ آدرس ننگرهار: شهر جلال آباد، چکنوری، جوار مسجد تبلیغی ●●● شماره‌های تماس: ۰۷۸۰۱۷۴۹۰۱/ ۰۷۷۲۴۸٦۹۹۰/ ۰۷۸٦۷۸٦۴۳۰

یادداشت روز

لزوم بررسی سریع پرونده‌های جنایت‌کاران بزرگ

شهریار فرهمند

رییس خدایداد، سردسته‌ی بزرگ‌ترین باند آدم‌ربایی و دزدان مسلح پس از یک عملیات سی و شش ساعته‌ی نیروهای امنیتی در کابل بازداشت شد. اکنون که وی بازداشت شده است، مهم‌ترین مسئله، چگونگی محاکمه‌ی وی است. این‌که نهادهای عدلی و قضایی چگونه از پس این آزمون برمی‌آید و آیا شاهد محاکمه‌ی علنی و سریع وی خواهیم بود یا پرونده‌ی وی نیز مثل ده‌ها و صدها پرونده‌ی مشابه در فرایندهای پوسیده و گرداب‌های فساد اداری و رشوه‌خواری نهادهای عدلی و قضایی فراموش خواهد شد؟ دست‌گیری رییس خدایداد یک دست‌آورد بزرگ برای نیروهای امنیتی افغانستان است. مسئولان امنیت ملی با توجه به شناختی که از او دارند، وی را بزرگ‌ترین و بی‌رحم‌ترین جنایت‌کار تاریخ معاصر افغانستان خوانده که دست‌گیری وی حاصل برنامه‌های پیچیده‌ی کشفی و نظامی بوده است. او ده‌ها شبکه‌ی خرد و بزرگ آدم‌ربایان و دزدان مسلح را در سراسر افغانستان رهبری کرده است و به‌خاطر ارتکاب جنایت‌های زیاد، تحت تعقیب پولیس بین‌المللی نیز بوده است.

این در حالی است که چند ماه پیش، حبیب اِستالف، یکی دیگر از سردسته‌های باند آدم‌ربایی از سوی نیروهای امنیتی دست‌گیر گردید. حبیب استالف پیش از این نیز چندین بار به جرم آدم‌ربایی، قتل و سرقت‌های مسلحانه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده بود، ولی از زندان فرار کرده بود. با این‌که در آن زمان نهادهای عدلی و قضایی از پی‌گیری جدی پرونده‌ی وی خبر داده بودند؛ اما تا کنون، با گذشت چندین ماه از دست‌گیری وی، کسی نمی‌داند که پرونده‌ی وی به کجا رسید و این‌که اصلا حبیب استالف هنوز در زندان است یا باز هم از زندان رها گردیده است.

تلاش‌های نیروهای امنیتی در بازداشت سردسته‌های باندهای جنایت‌کاران و تخریب شبکه‌های آن‌ها قابل قدر است. آن‌ها ثابت کرده‌اند که در مبارزه با جنایت‌کاران از مهارت و توان کافی برخوردار بوده و قادر به تأمین امنیت در سراسر کشور اند. توانایی‌های نیروهای امنیتی در عرصه‌ی کشف جرم و عملیات‌های اوپراتیفی بازداشت مجرمان، محسوس و درخشنده است و می‌شود این مهارت‌ها را با کشورهای منطقه مقایسه کرد. آن‌ها در این زمینه از آخرین تکنیک‌ها برخوردار بوده و امکانات کافی را نیز در اختیار دارند. بازداشت عاملان جنایت پغمان در زمان اندک و از جاهای مختلف و اکنون بازداشت رییس خدایداد که پولیس بین‌الملل و کشورهای منطقه سال‌ها در پی دست‌گیری‌اش بود، نشان‌دهنده‌ی توانایی نیروهای امنیتی افغانستان است. این اقدامات مردم را نسبت به توانایی‌های آن‌ها بیش‌تر امیدوار کرده است. اما پای نهادهای عدلی و قضایی در محاکمه‌ی جنایت‌کاران و بررسی عادلانه‌ی پرونده‌های جرم و جنایت، هنوز می‌لنگد. ده‌ها و صدها پرونده‌ی اختطاف، قتل و سرقت‌های مسلحانه که از سوی نیروهای امنیتی به نهادهای عدلی و قضایی سپرده شده‌اند، در فرایندهای پوسیده و بی‌ثمر قضایی آن‌ها فراموش گردیده و هیچ‌کسی از ده‌ها و صدها جنایت‌کار بزرگ و خطرناک که از سوی نیروهای امنیتی دست‌گیر گردیده بودند، چیزی نمی‌داند. برخی از این جنایت‌کاران با استفاده از گرداب‌های فساد و رشوه‌ستانی در نهادهای عدلی و قضایی، موفق به رهایی گردیده و برخی دیگر نیز به دلیل ناکارآمدی این نهادها هنوز هم محاکمه نگردیده و پرونده‌های آن‌ها فراموش گردیده‌اند.

اکنون نهادهای عدلی و قضایی در معرض آزمون بزرگی قرار دارند. آن‌ها در قضیه‌ی پغمان تا این مرحله را خوب و سریع عمل کرده‌اند. انتظار می‌رود که در خصوص پرونده‌ی رییس خدایداد نیز این‌گونه جدی و سریع عمل کنند؛ چون این پرونده کم‌تر از قضیه‌ی پغمان نیست. شبکه‌های مرتبط به وی و حامیان او در درون و بیرون نظام به‌زودی برای رهایی وی دست به‌کار خواهند شد و تلاش خواهند کرد، او را از زندان آزاد کنند. شبکه‌ی قدرت‌مند و گسترده‌ی رییس خدایداد به احتمال زیاد حامیان یا شرکایی در درون نظام نیز دارد و این ترس وجود دارد که با نفوذ در دست‌گاه‌های عدلی و قضایی، پرونده‌ی وی را مختومه اعلان کرده و خودش را آزاد نمایند. دادستانی و دادگاه عالی در محاکمه‌ی وی نباید درنگ کنند و با محاکمه‌ی عادلانه، اعتماد مردم افغانستان را جلب کرده و از این آزمون پیروز بیرون آیند.

وزیر دفاع:
نزدیک به شش هزار عملیات طالبان خنثا شده است

اطلاعات روز: بسم‌الله محمدی، وزیر دفاع کشور می‌گوید، گروه طالبان به هم‌کاری حامیان شان در پنج ماه گذشته بیش از ۵۷۸۶ عملیات را در کشور راه‌اندازی کرده‌اند. به گفته‌ی وزیر دفاع، طالبان با راه‌اندازی این عملیات، می‌خواستند تا چند ولسوالی کلیدی در ولایت‌های: هلمند، قندهار، بدخشان و ازرگان را تصرف و برای‌شان جغرافیایی مستقل نظامی و سیاسی ایجاد کنند.

او تأکید کرد، نیروهای امنیتی کشور با توانایی کامل تمامی این عملیات را خنثا و آرمان طالبان را دفن خاک کردند. محمدی گفت، نیروهای امنیتی در جریان سال روان، بیش از ۶۱۲۵ عملیات پیشگیرانه، ۵۹۹ عملیات کوماندویی و ۵۳۹۱ مورد عملیات خارج از پلان را بر پناه‌گاه‌های طالبان انجام داده و در این عملیات، همه‌ی پلان‌های شوم آن‌ها را خنثا کرده است.

طالبان در بهار سال روان، عملیات بهاری را زیر نام (خیبر) علیه نیروهای امنیتی آغاز کرد. براساس معلومات مقام‌های امنیتی کشور، طالبان در این عملیات به هم‌کاری حامیان‌شان به ویژه استخبارات پاکستان، قصد داشتند، نیروهای داخلی را از برخی از ولسوالی‌ها عقب بزنند اما موفق نشدند. از سویی هم وزیر دفاع کشور باردیگر اطمینان داد که نیروهای امنیتی کشور توانایی خنثاسازی عملیات دشمنان را دارند و به گفته‌ی او، یک درصد هم ممکن نیست؛ طالبان دوباره در افغانستان به قدرت برسند. او این اظهارات را روز گذشته در نشست استجوابیه وزیران امنیتی در مجلس سنای کشور بیان کرد.

مجلس سنا روزگذشته، بسم‌الله محمدی وزیر دفاع، عمر داوودزی، وزیر داخله و حسام‌الدین حسام، معاون ریاست امنیت ملی کشور را در مورد چالش‌های امنیتی و اقدام‌های مرزی پاکستان در امتداد خط دیورند، به این مجلس فرا خوانده بود.

عمر داوودزی در این نشست گفت، برنامه‌ی دشمن در سال روان این بود، تا اعتماد مردم را نسبت به نیروهای امنیتی تضعیف کنند، اما ناکام شدند. او افزود، نیروهای امنیتی در جریان سال روان طی عملیات‌شان در نقاط مختلف کشور، ۵۵۰۳ طالب را به قتل رسانده و این رقم، افزایش سه برابر تلفات آنان را نسبت به سال‌های گذشته نشان می‌دهد. او گفت، در این عملیات‌ها ۱۵۲۳پولیس ملی و ۶۸۹ پولیس محلی کشته شدند و این رقم تلفات پولیس اندکی بیش‌تر از سال گذشته است. کاهش عملیات هوایی ناتو و توقف عملیات شبانه و خروج بخشی از نیروهای خارجی از کشور؛ از عوامل اصلی افزایش تلفات نیروهای امنیتی در کشور عنوان شده است.

هشدار به پاکستان

از سویی هم وزیر دفاع روزگذشته در نشست استجوابیه مجلس سنا در پیوند به انتقادهای نمایندگان مبنی بر افزایش حمله‌های راکتی پاکستان گفت، برای آخرین بار، حکومت شکایت‌اش را در این مورد، به شورای امنیت سازمان ملل ارائه خواهد کرد. او هشدار داد، اگر شکایت‌های ما نتیجه ندهد، علیه حملات پاکستان از گزینه‌ی نظامی کار خواهیم گرفت.

در همین حال وزیر داخله کشور گفت، پاکستان از آغاز سال روان تاکنون، بیش از ۴۴۲۱ راکت را بر مناطق مختلف سرحدی کشور شلیک کرده که در اثر آن، ۱۶ فرد ملکی کشته شده‌اند.

او افزود، «با آن‌که حامد کرزی دوبار در شورای امنیت ملی به نیروهای امنیتی دستور عمل متقابل را داد، ولی هنوز دست به عمل متقابل نزدیم.»

عثمانی: مراسم تحلیف، ده روز پس از اعلام نتایج انتخابات برگزار می‌شود

اطلاعات روز: ضراراحمد مقبل عثمانی، وزیر خارجه‌ی کشور می‌گوید، مراسم تحلیف رییس جمهور آینده، ده روز پس از اعلام نتایج نهایی انتخابات، برگزار می‌شود.

او روز گذشته در مراسم توزیع تصدیق‌نامه‌ها به کارمندان جدیدالشمول وزارت خارجه گفت، اگر مهمانان خارجی در مراسم تحلیف رییس جمهور جدید دعوت شود، بدون شک این مراسم ده روز بعد از اعلام نتایج نهایی انتخابات، برگزار خواهد شد.

عثمانی گفت، درصورتی که مهمانان خارجی در مراسم تحلیف دعوت نشود، این مراسم دو روز بعد از اعلام نتایج نهایی انتخابات، برگزار خواهد شد: هنوز تاریخ دقیق مراسم تحلیف مشخص نیست. زمان دقیق برگزاری {این مراسم} بعد از اعلام نتایج نهایی انتخابات، روشن خواهد شد.

مقام‌های وزارت خارجه در حالی از برگزاری مراسم تحلیف تا ده روز دیگر خبر می‌دهند که نامزدان هنوز هم به خاطر تشکیل حکومت وحدت ملی به توافق نرسیده‌اند.

در حال حاضر مذاکرات سیاسی نامزدان روی تشکیل حکومت وحدت ملی جریان دارد. هرچند گفته شده که نامزدان به توافق‌هایی دست یافته‌اند؛ اما هنوز هم آن‌ها روی صلاحیت‌های پست اجرایی و اعلام نتایج نهایی انتخابات، اختلاف نظر دارند.

تیم اصلاحات و هم‌گرایی به رهبری عبدالله عبدالله تأکید دارد، در حکومت آینده رییس اجرایی، رییس کابینه هم باشد و نیز نتایج نهایی انتخابات براساس تفاهم نامزدان اعلام شود. اما تیم تحول و تداوم به رهبری اشرف غنی احمدزی، موارد یاد شده را خلاف قانون ساسی عنوان کرده است.

با این وجود تیم اصلاحات و هم‌گرایی هشدار داده، در روند تفتیش و ابطال آرا شفافیت در نظر گرفته نشده و اگر مذاکرات سیاسی هم نتیجه ندهد، نتایج نهایی انتخابات را نمی‌پذیرد. اما کمیسیون انتخابات روزگذشته اعلام کرد، نتایج نهایی دور دوم انتخابات را پس از فیصله کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی در خصوص ابطال آرا، اعلام خواهد کرد.

در حال حاضر روند تفتیش و ابطال آرا در کمیسیون انتخابات پایان یافته و نتایج به کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی، ارسال شده است. کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی روزگذشته در نشست خبری اعلام کرد، تا یک یا دو روز آینده، فیصله نهایی خود را در خصوص نتیجه تفتیش آرا، به کمیسیون مستقل انتخابات ارسال خواهد کرد.

دفتر کریم خلیلی: جعلی بودن صدای منسوب به خلیلی ثابت شد

اطلاعات روز: دفتر کریم خلیلی، معاون دوم ریاست جمهوری کشور، روزگذشته در نشست خبری در کابل اعلام کرد، سه نهاد معتبر بین‌المللی، جعلی بودن صدای منسوب به خلیلی را تأیید کرده است.

اسدالله سعادتی، عضو مجلس نمایندگان و از اعضای حزب کریم خلیلی در این نشست گفت، تیم اصلاحات و هم‌گرایی صدای جعلی را منسوب به خلیلی نشر کرده بود. او با اشاره به این‌که تیم عبدالله این صدای جعلی را به هدف سیاسی به نشر رسانده بود، گفت: «صدا توسط فن‌آوری‌های مدرن جعل می‌شود و فن‌آوری‌هایی هم است، تا جعل بودن آن را ثابت کنند. ما پس از نشر صدای منسوب به کریم خلیلی، به نهادهای معتبر بین‌المللی مراجعه و این مسئاله را جدی پی‌گیری کردیم که بلاخره جعلی بودن آن ثابت شد».

تیم اصلاحات و هم‌گرایی چندی پیش صدایی را منسوب به خلیلی نشر کرد و ادعا نمود، معاون دوم ریاست جمهوری در جمع از هوادارانش گفته، از هر ابرازی برای پیروزی اشرف غنی احمدزی استفاده می‌کند. نشر این نوار جنجال‌آفرین شد و به دنبال آن، دفتر کریم خلیلی گفت، در این مورد علیه تیم اصلاحات و هم‌گرایی شکایت خواهد کرد.

با این حال سعادتی روز گذشته گفت، دفتر معاونیت دوم ریاست جمهوری، از زمانی نشر صدای جعلی منسوب به خلیلی، به مراجع قضایی و حقوقی، کمیسیون شکایت‌ها و سازمان ملل شکایت کرده است. او از نهادهای عدلی و قضایی کشور خواست، این مسئله را به گونه‌ی جدی پیگری کنند.

از سویی هم، او افزود، نهادی‌های که صدای منسوب به خلیلی را جعلی ثابت کرده‌اند، حاضر به دفاع از ادعاهای‌شان استند. در نشست خبری روزگذشته، صدایی یکی از کارشناسان این نهادها، نشر شد. در این صدا او گفت، صدای منسوب به کریم خلیلی، در یک فضایی شبیه استدیو ثبت شده و با صدای اصلی او مشابهت ندارد.

تیم‌های انتخاباتی: دیدار نامزدان بی‌نتیجه پایان یافت

اطلاعات روز: اشرف غنی احمدزی و عبدالله عبدالله، دو نامزد دور دوم انتخابات ریاست جمهوری روز گذشته برای حل جنجال‌های انتخاباتی بار دیگر باهم دیدار کردند. دیداری که به گفته‌ی فیض‌الله ذکی، سخن‌گوی تیم تحول و تداوم، پیشرفت‌هایی زیادی را به دنبال نداشت و بی‌نتیجه پایان یافت.

آقای ذکی روز گذشته در یک نشست خبری در کابل گفت، در دیدار نامزدان، پیشرفت اندکی صورت گرفت اما روی برخی از مسایل اختلاف باقی ماند. ذکی ابراز امیدواری کرد، نامزدان در دیدارهای بعدی، به این اختلاف نظرها، نقطه‌ی پایان بگذارند. او از تیم اصلاحات و هم‌گرایی خواست، در مذاکرات سیاسی، از خود انعطاف‌پذیری نشان دهند و در حل بحران انتخاباتی تلاش کنند.

در همین حال، فضل‌الرحمن اوریا، سخن‌گوی تیم عبدالله عبدالله نیز از پایان یافتن بدون نتیجه مذاکرات نامزدان سخن می‌گوید. او ابراز امیدواری می‌کند که نامزدان در دیدارهای بعدی به موارد اختلافی راه حل پیدا کنند.

بر اساس گزارش‌ها، در حال حاضر نامزدان روی تقسیمات پست‌های کابینه و اعلام نتایج نهایی انتخابات اختلاف نظر دارند. تیم تحول و تداوم تأکید می‌کند که نتایج نهایی دور دوم انتخابات به زودی اعلام شود و براساس توافقنامه‌ای امضا شده بین نامزدان، حکومت وحدت ملی تشکیل شود اما تیم اصلاحات و هم‌گرایی می‌گوید، نتیجه نهایی انتخابات پنجاه، پنجاه اعلام شود و رای هیچ یک از نامزدان، از رای دیگری زیادتر نباشد. به باور این تیم، در انتخابات تقلب گسترده صورت گرفته و نیاز نیست، نتایج آن پذیرفته شود.

از سویی هم، تیم انتخاباتی عبدالله عبدالله تأکید دارد، رییس اجرایی باید در راس کابینه هم باشد. اما تیم تحول و تداوم به هر دو موارد یاد شده موافق نیست. این تیم می‌گوید، نتایج نهایی انتخابات براساس آرای تفتیش شده اعلام و نیز رییس کابینه توسط رییس جمهور تعیین شود.

کار بزرگ‌ترین پارک تفریحی در کابل آغاز می‌شود

اطلاعات روز: وزارت امور شهر سازی کشور می‌گوید، کار بزرگ‌ترین پارک تفریحی در جوار شهرک «امید سبز» در جنوب غرب کابل به زودی آغاز می‌شود. انجنیر محمداکبر احمدی، معین امور شهری وزارت شهرسازی دیروز به پژواک گفت، کار این پارک در ساحه‌ی چهار جریب زمین به نام «پارک ملی کابل جان» تا پنج ماه دیگر آغاز خواهد شد.

او افزود، سرمایه‌ی ابتدایی ساخت این پارک، دو میلیون دالر و سرمایه نهایی آن دو صد میلیون دالر امریکایی در نظر گرفته شده است. احمدزی افزود، کار ساخت «پارک ملی کابل جان» از سوی بخش‌های خصوصی در سه سال آینده تکمیل خواهد شد. او گفت، کارهای مقدماتی این پارک تا پنج ماه دیگر تکمیل و سپس کار عملی آن آغاز می‌شود.

در این پارک میدان‌های ورزشی، وسایل بازی، فروشگاه‌ها و هوتل نیز ساخته می‌شود. براساس معلومات شهرداری کابل، در حال حاضر ۳۶ پارک تفریحی در این شهر وجود دارد. با این حال، برخی از باشندگان کابل از شهرداری و وزارت شهرسازی کشور خواسته‌اند، پارک‌های بیش‌تری را در کابل ایجاد کنند.

حمله انتحاری بر کاروان نیروهای ناتو در کابل چندین کشته بر جا گذاشت

اطلاعات روز: بر اثر یک حمله انتحاری بر کاروان نیروهای ناتو در کابل، چندین تن کشته و زخمی شدند. منابع ناتو با نشر خبرنامه‌ی اعلام کرد، در این رویداد سه سرباز خارجی کشته شده‌اند. این حمله روزگذشته (سه‌شنبه، ۲۵ سنبله) در مقابل ساختمان دادگاه عالی کابل رخ داد که در اثر آن، دو موتر نیروهای ناتو نیز تخریب شدند.

در همین حال، وزارت امور داخله‌ی کشور می‌گوید، ساعت ۸:۱۰ صبح روزگذشته، یک حمله کننده‌ی انتحاری با استفاده از یک عراده موتر نوع کرولا، کاروان نیروهای خارجی را در مسیر جاده عمومی میدان هوایی در نزدیکی دادگاه عالی در مربوطات حوزه دهم امنیتی شهر کابل هدف قرار داده است.

در خبرنامه‌ی ارسالی این وزارت به روزنامه‌ی اطلاعات روز آمده است، در این رویداد ۱۳ فرد ملکی زخمی و ۱۷ عرداه موتر افراد ملکی نیز تخریب شده است. وزارت امور داخله‌ی کشور این حمله را کار دشمنان مردم افغانستان خوانده و گفته است، آنان نمی‌خواهند، شهروندان در فضای امن و آرام زندگی کنند.

از سویی هم، برخی از رسانه‌ها این حمله را نسبتاً شدید توصیف کرده و گزارش داده‌اند، اجزایی بدن شماری از کشته‌شدگان، در محل رویداد دیده شده است. گروه طالبان مسئولیت این انفجار را بر عهده گرفته و گفته، در این حمله دو موتر نیروهای ناتو را از بین برده است.

میراث محمود و حامد

برای دو همسایه از روابط با عمو قهار

خالق ابراهیمی

AFP

بعد از وقوع حادثه‌ی یازدهم سپتامبر، وضعیت به‌صورت ناگهانی طوری رقم خورد که امریکا و ایران برای از بین بردن لانه‌های تروریستی و حکومت طالبانی با هم همکار شدند. محمد خاتمی، رییس جمهور آن زمان ایران، پیامی را مبنی بر غم‌شریکی دولت و ملت ایران با دولت و ملت امریکا ابلاغ کرد. خاتمی گفت: «به‌نام ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران، اقدام تروریستی هواپیماربایی و حمله به مراکز عمومی در شهرهای امریکا را که شمار زیادی از مردم بی‌دفاع را به کام مرگ کشید، محکوم می‌کنم و تأسف عمیق و هم‌دردی خود را به ملت امریکا... اعلام می‌دارم.» بعد از وقوع این حادثه، گفت‌وگوهای جدی میان امریکا و ایران آغاز شدند. طرف‌های گفت‌وگوکننده‌ی ایرانی در نشست‌های‌شان با طرف‌های امریکایی با اعتماد به‌نفس کامل می‌گفتند که ایرانی‌ها بیش‌تر از امریکا در مورد افغانستان و نوع جنگ طالبان و نقشه‌ی جنگ، می‌دانند.

رایان کراکر، معاون دست‌یار وزیر خارجه‌ی وقت امریکا در یک سخنرانی خود، نوع فضای حاکم بر نشست‌ها را چنین شرح می‌دهد: «در روزهای پیش از حمله (امریکا به افغانستان)- یادتان هست که حملات هوایی اوایل اکتبر ۲۰۰۱ آغاز شد- حرف ایرانی‌ها براین بود که شما چه اطلاعاتی لازم دارید که سر آن‌ها را به سنگ بکوبید. شما آرایش جنگی آن‌ها را می‌خواهید؟ نقشه‌اش این‌جاست. می‌خواهید بدانید از نظر ما نقاط ضعف آن‌ها کجاست؟ این‌جا، این‌جا و این‌جا. می‌خواهید بدانید ما فکر می‌کنیم آن‌ها به حملات هوایی چگونه واکنش نشان می‌دهند؟... از ما بپرسید، ما جوابش را داریم... این دوران بی‌سابقه‌ای در روابط ایران و امریکا از زمان انقلاب بود. مذاکره بین ایرانی‌ها و امریکایی‌ها بر روی موضوعی خاص که هردو در آن منافع مشترک داشتند.»

بالاخره امریکا حمله به افغانستان را عملی کرد و ایران با حمایت کردن از ائتلاف شمال افغانستان که بدنه‌ی اصلی آن را تاجک‌ها تشکیل می‌داد، همکاری‌های خود را با امریکا ادامه داد. در کنفرانس بُن، حامد کرزی شخص مورد اعتماد امریکا برای به‌دست گرفتن قدرت در افغانستان بود و ایران نیز از او حمایت کرد. جیمز دابینز که تیم مذاکره‌کننده‌ی امریکایی برای تأسیس حکومت جانشین طالبان را رهبری می‌کرد، در مصاحبه‌ای با مایکل هرش، روزنامه‌نگار امریکایی بر نقش تعیین‌کننده‌ی جواد ظریف تأکید می‌کند. جواد ظریف در آن زمان معاون وزارت خارجه‌ی ایران در امور بین‌الملل بود. دابینز در این مصاحبه گفته است که یونس قانونی به نمایندگی از ائتلاف شمال در بُن آمده بود و به‌آسانی راضی نمی‌شد. او ادعا داشت که کابل را فتح کرده‌اند و قدرت بیش‌تر دارند و باید بیش‌ترین سهم را در دولت افغانستان داشته باشند. دابینز می‌گوید: «ساعت ۴ صبح شده بود و ما به لحظاتی بحرانی رسیده بودیم. هیچ‌کس قادر نبود فکر قانونی را عوض کند. نهایتا ظریف با لحنی قاطع، نجواکنان در گوش قانونی گفت: «این بهترین پیش‌نهادی است که به تو می‌شود». قانونی گفت، قبول».

اما این همکاری‌ها زیاد دوام نکردند. در جریان سال ۲۰۰۱ امریکا ایران را به داشتن یکی از فعال‌ترین برنامه‌ها برای دست‌یابی به سلاح هسته‌ای متهم کرد. بعد از آن روابط ایران و امریکا دچار اُفت‌وخیزهای فروانی شده است. گرچند در دوران محمد خاتمی به هر شکلی، گفت‌وگوها جریان داشتند. با این‌که جورج بوش، رییس جمهور آن وقت امریکا در سخنرانی سال ۲۰۰۲ خود ایران، عراق و کوریای شمالی را «محور شرارت» خواند؛ اما مقام‌های ایرانی قادر بودند امریکا را در میز گفت‌وگو داشته باشند. در سال ۲۰۰۳ پس از زلزله‌ی شدید در شهر «بم» ایران که منجر به کشته شدن ۵۰ هزار نفر شد، امریکا کمک‌های بشردوستانه برای ایران فرستاد.

میراث محمود

در سال ۲۰۰۵ با به قدرت رسیدن محمود احمدی نژاد در ایران، روابط ایران و امریکا با گذشت هر روز در حال زوال است. با گفت‌وگوهای تند و سخنرانی‌های احساساتی احمدی‌نژاد، حرف رییس جمهور امریکا به واقعیت تبدیل شد و ایران واقعا تبدیل به محور شرارت گردید. ادبیات سیاسی در ایران علیه امریکا تغییر کرد. حضور امریکایی‌ها در افغانستان از دید ایران دیگر برای از بین بردن تروریزم بین‌المللی نبود، بل‌که امریکایی‌ها با زور وارد افغانستان شده‌اند و این کشور را اشغال کرده‌اند.

با افزایش تنش میان ایران و امریکا، دیگر افغانستان و عراق تقریبا به فراموشی سپرده شدند. در عراق سربازان ایرانی در میدان جنگ با سربازان امریکایی دست‌گیر می‌شوند؛ در افغانستان ایران متهم به همکاری و کمک تسلیحاتی با طالبان می‌شود؛ اما برای امریکایی‌ها مسئله‌ی مهم، سلاح‌های هسته‌ای ایران بود. از هر ترفند ممکن استفاده کردند تا ایران را قانع کنند که دست از کار و تولید روی سلاح‌های هسته‌ای بکشند؛ اما ایران با لجاجت تمام، داشتن انرژی هسته‌ای را حق مسلم خود خواندند. در این راه تا که توانستند تاوان پرداختند.

با ازدیاد تحریم‌ها علیه ایران، اقتصاد ایران در دوره‌ی احمدی‌نژاد رو به رکود گذاشت. وضعیت آشفته‌ی اقتصادی و سیاسی ایران، اقتصاددانان و فرهنگیان ایران را وحشت‌زده کرد. مردم ایران در اضطراب کامل به‌سر می‌بردند. در این وضعیت نامه‌های سرگشاده‌ی زیادی به آدرس احمدی‌نژاد فرستاده می‌شدند. در میان نامه‌ها، نامه‌ی هشداردهنده‌ی ۴۳ تن از اقتصاددانان ایران از جدی‌ترین نامه‌ها در وضع بی‌سامانی اقتصادی و سیاسی ایران بود. اقتصاددانان ایران در این نامه دولت را مقصر اصلی این وضع می‌دانند و از دولت می‌خواهند که در گفت‌وگو با امریکا محتاطانه برخورد کنند. آنان وضعیت آشفته‌ی اقتصادی و سیاسی ایران را ناشی از اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه دولت ایران می‌دانند. احمدی‌نژاد در انتخابات ۸۸ ایران برای بار دوم به قدرت رسید. اصلاح‌طلبان و جنبش سبز ایران در این زمان با اعتراضات خیابانی و میلیونی، روند انتخابات ایران را غیرشفاف خواندند و احمدی‌نژاد با تقلب رییس جمهور ایران شد. بعد از آن هیچ فعال سیاسی مخالف دولت احمدی‌نژاد در ایران امنیت نداشت. موسوی، رقیب انتخاباتی احمدی‌نژاد و بسیاری از همگنانش و خانواده‌های‌شان زندانی شدند.

مردم ایران چهار سال دولت ناکارآمد احمدی‌نژاد را تحمل کردند. در این میان فقط رهبر ایران از احمدی‌نژاد خرسند به نظر می‌رسید. پول ایرانی ارزش خود را در بازار پول از دست داد. رکود اقتصادی دامن‌گیر ایران شد. آمار بی‌کاری بالا گرفت. فرار مغزها بیش‌تر از هر زمان دیگر افزایش یافت. گشت ارشاد اسلامی به‌دنبال تطبیق پوشش اسلامی، جوانان ایرانی را در خیابان‌ها آزاد نگذاشت. زندان‌ها پر از زندانی‌های سبز شدند. احمدی‌نژاد سال گذشته دولتی با این چنین وضعیت را به حسن روحانی تحویل داد. حسن روحانی باید تا چند سال دیگر به ترمیم اوضاع بپردازد.

میراث حامد

در جریان جابه‌جایی قدرت در ایران از خاتمی به احمدی‌نژاد و از احمدی‌نژاد به حسن روحانی اما حامد کرزی هنوز بر اریکه‌ی قدرت تکیه زده است و آخرین مزه‌های قدرت را می‌چشد. گرچند هنوز نتیجه‌ی انتخابات معلوم نیست و هم‌چنان آینده‌ی نامعلوم در انتظار افغانستان است.

کرزی اما از روزهایی که تازه قدرت را به‌دست گرفته بود تا امروز، همان‌طور که تغییرات جدی در وضع جسمی و روحی‌اش آمده است، ذهن و ضمیر و ادبیات سیاسی او نیز تغییر کرده است. رییس جمهوری که در هر سخنرانی‌اش خطاب به مردم افغانستان، نام جامعه‌ی جهانی و ایالات متحده‌ی امریکا را نیز می‌گرفت. این روزها کم‌تر از امریکا و جامعه‌ی جهانی یاد می‌کند و بیش‌تر برای طالبان دل می‌سوزاند. او طالبانی را که از میدان‌های جنگ با سربازان ارتش ملی دست‌گیر شده بودند و چهره‌های سرشناس طالبان را از زندان‌ها آزاد کرد. سخن معروف او که اگر امریکا به ما کمک نکرد، از جای دیگری کمک می‌گیریم، هنوز از یادها نرفته است. روابط دوستانه‌ی افغانستان و امریکا را یک‌طرفه کرد. بارها از حملات هوایی نظامیان خارجی بر قریه‌های افغانستان و از عملیات شبانه‌ی این نیروها شکایت کرد. تا آن‌جا پیش رفت که از این رفتارهای نیروهای خارجی جلوگیری کند و از اردوی ملی بخواهد که از سلاح‌های ثقیله در جنگ با طالبان استفاده نکنند.

افغانستان حالا کشوری است که از لحاظ اقتصادی هنوز نمی‌تواند حقوق کارمندان و سربازان خود را پرداخت نماید؛ اما رییس جمهورش هم‌چنان بر خروج نیروهای خارجی از افغانستان تأکید می‌کند. وزیر خارجه‌ی آلمان در آخرین سفرش به افغانستان گفت، اگر توافق‌نامه‌ی امنیتی میان کابل-واشنگتن به امضا نرسد، دیگر از کمک‌های خارجی خبری نیست. حامد کرزی با لجاجت تمام پیمان امنیتی با امریکا را امضا نکرد. آخرین بهانه‌اش، نظر مردم افغانستان بود که در آخرین لویه جرگه، نمایندگان مردم و جامعه‌ی مدنی با اکثریت آرا تصویب کردند که پیمان امنیتی با امریکا امضا شود؛ اما رییس جمهور باز هم بهانه آورد و امضا نکرد.

از روزی که طالبان از ترس نیروهای خارجی و داخلی به مغاره‌ها پناه برده بودند و قدرت مقابله را از دست داده بودند، تا امروز که در مرزهای مادرشهر کشور (کابل) به جنگ علیه نیروهای امنیتی آمده‌اند، تمام این موارد تقصیر دولت آقای کرزی است. در وضع کنونی که جنگ در ۳۲ ولایت کشور جریان دارد، ناامنی در ولایت‌های آرام نیز تشدید می‌شود، ترس و هراس شدید در دل مردم افغانستان جا گرفته است، همه از نبود یک سیاست مدون در راستای همکاری با امریکا و کشورهای خارجی و چگونگی مصرف کمک‌ها سخن می‌گویند. افغانستان در طی یک دهه مسیرهای زیادی را طی کرده است. به‌رغم پیش‌رفت‌های فرهنگی‌ای که در چند سال گذشته اتفاق افتاد، اما اکنون می‌رود که دوباره به وضعیت ۲۰۰۱ برگردیم. آخرین گزینه برای اثبات ادعای رییس جمهور مبنی بر خودکفایی سیاسی و امنیتی افغانستان، شاید روند انتخابات بود که با سوء مدیریت از اعتبار مردم نسبت به نهادهای حکومتی کاست. مدیریت ناسالم انتخابات، افغانستان را تا مرز جنگ‌های داخلی به پیش برده است. آشفتگی سیاسی، ناامیدی شهروندان، بالا گرفتن آمار بی‌کاری، اعتیاد و... میراثِ کارنامه‌ی سیاسی حامد کرزی برای رییس دولت بعدی است. با این تفاوت که ایرانی‌ها دغدغه‌ی آزادی دارند و افغانستانی‌ها دغدغه‌ی نان شب!

خبرنگار ناراضی

هادی دریابی

معامله

معامله به عملی گفته می‌شود که هردو طرف از آن نفع ببرند، یا رضایت خاطر هردو طرف فراهم شود. معامله انواع و اقسام متفاوت دارد. معامله‌ی مشروع، معامله‌ی غیرمشروع، معامله‌ی سیاسی، معامله‌ی تاریخی، معامله‌ی صحی و غیره و ذالک.

در باب معامله‌ی مشروع، آورده‌اند که در هیچ جای دنیا، وزیر برای وزیر شدن به وکلای پارلمان پول نمی‌دهد. اگر پول بدهد، آن وزیر را از دهن سگ انداخته، از انتهای مبارکش بیرون می‌کنند. از این‌رو، این معامله مشروع نیست. اما در افغانستان، این معامله مشروع است. یکی از دلایلی که به این معامله مشروعیت می‌بخشد، قدرت وزیر و نفوذ وکلای مردم در مجلس نمایندگان است. فقط خواهشاً سند نخواهید؛ چون همه می‌دانیم در پارلمان چه اتفاق‌هایی می‌افتد. دلیل دیگری که این نوع معامله را مشروعیت می‌بخشد، آگاهی قوه‌ی قضائیه و قوه‌ی مجریه از موضوع است. این دو قوه، به‌خوبی این افتخار را به ملت و کشور می‌بخشند که ما از جهان متفاوت باشیم. دلیل سومی که به این معامله مشروعیت می‌بخشد، سازوکاری است که از خود ارگ برای این معامله چیده می‌شود. در این معامله وزیر به وزارت می‌رسد و وکیل به دالر (یک عادت‌شان بد است که به افغانی معامله نمی‌کنند). هردو طرف شاد و خرم!

معامله‌ی غیرمشروع، به معامله‌ای گفته می‌شود که به‌دست آدم‌های نامعلوم صورت می‌گیرد. مردم خبر ندارند آن‌ها کیستند و در کجا معامله می‌کنند؛ اما بعضی از اراکین محترم دولت می‌دانند. بروید از خودشان بپرسید که معامله‌ی غیرمشروع افغانستان چند درصد کل معاملات را شکل می‌دهد. من که اراکین نیستم...

معامله‌ی سیاسی، بر پدر و مادر این نوع معامله را لعنت! این نوع معامله وقتی شروع شود، تا ختم می‌شود و رضایت دو طرف حاصل می‌شود، مردم به ستوه می‌آیند. در این نوع معامله، دهن قوه‌ی مجریه هم باز می‌ماند که چه وقت تمام خواهد شد، از قوه‌ی قضائیه و مقننه بازتر! هرچند دُم‌کلفتان هرسه قوه برای به سرانجام رساندن معامله، هرچه در خلته داشته باشند، فیر می‌کنند؛ اما این معامله به‌سر نمی‌رسد. سابق خوب بود. این نوع معامله خیلی زود سر می‌گرفت. یک نفر می‌رفت و سند ملکیت افغانستان را با کشورهای دیگر معامله می‌کرد، چند روز بعدش به کمک همان کشور، پادشاه می‌شد. راحت پادشاهی می‌کرد تا وقتی که کدام بی‌ناموس دیگر پیدا می‌شد و خاک را سودا می‌کرد و بعههههعلی، تکرار معالمه! اما حالا چه؟ حالا وقتی معامله‌ی سیاسی شروع می‌شود، رییس جمهور هر چند روز بعد از طرفین معامله خواهش می‌کند که به توافق برسند؛ اما نمی‌رسند. به شیر مادرشان قسم می‌دهد، باز هم نمی‌رسند. رقم رقم وزیر از کشورهای دیگر دعوت می‌کند، بازهم بی‌فایده است. به خانه‌ی‌شان می‌رود، به ارگ دعوت‌شان می‌کند، بازهم بی‌فایده است. حتا اگر برای هفت جد دو طرف فاتحه برگزار کند و ختم قرآن بگیرد، باز هم این اراذل به نتیجه نخواهند رسید. جالب این‌جاست که هردو طرف ادعای خیر و صلاح مردم افغانستان را دارند. یکی نیست بگوید که جناب داکتر صاحب احمق و بی‌شرف، کجای این بزکشی به خیر و صلاح مردم است؟ اصلاً مردم نزد شما کیست؟ همان‌هایی که هر روز نگران امنیت و بالا رفتن قیمت و بی‌کاری اند، یا همان نسبتاً محترم‌هایی که هر شب و هر روز گرداگِرد شما به‌به و چه‌چه می‌گویند؟... نه بابا، طرفین این معامله، آدم‌شدنی نیستند! هی تأکید دارند که مردم به گوساله بودن آن‌ها ایمان بیاورند.

معامله‌ی تاریخی، به معامله‌ای گفته می‌شود که یک عده بزرگان که قبلاً مثل سگ با هم دشمن بوده، حالا چشم به ریاست و وزارت دوخته و چنان با هم رفیق اند که گویا چند سال پیش تنبان‌شان مشترک بوده است. به دلیل قباحت موضوع، از خیر این معامله می‌گذریم. توافق کنید، ورنه مردم فکر می‌کنند که ما هم کاندید هستیم.

معامله‌ی صحی، به برخورد ما با خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های ماست. پاک بخوریم، پاک بنوشیم و پاک زندگی کنیم، مریض نمی‌شویم. اگر بی‌احتیاطی کنیم، مریض می‌شویم.

معامله‌ی و غیره و ذالک، در این معامله به‌راحتی می‌توان شناخت که چه کسی بهتر از همه گوساله تشریف دارد. شما به داستان پروستات عاغا (رهبر ایران) نگاه کنید. ایشان معاملات صحی‌اش چندان خوب نبوده، به پروستات مبتلا شده. آن وقت نماینده‌ی تام‌الاختیار یک آیت‌الله ضمن این‌که مراسم دعا برگزار کرده، گفته که مردم افغانستان حاضر است از جان‌شان بگذرند؛ اما از رهبر ایران (عاغا) نگذرند (من عجالتاً به این مأمور ایرانی عرض می‌کنم که خر خودتی). این نماینده از فرط شعور، با شدت هشت درجه‌ی ریشتری از عاغا تقاضا نموده که خوب شود و افسار او را بگیرد. حالا من مانده‌ام این باشعور را گوساله صدا کنم یا الاغ؟! بیرون از دایره‌ی حیوانات که نمی‌شود؛ چون در وطن ما فقط حیوانات عزیز افسار دارند. ایران را نمی‌دانم، شاید مردمش هم مزین به افسار باشند؛ اما من ندیده‌ام. البته در معامله‌ی و غیره و ذالک، نگاه سفارت جمهوری اسلامی ایران نیز شامل می‌شود. این سفارت باید بفهمد که با گوساله‌ها به جایی نمی‌رسد. اصلاً باید بفهمد که روزگار گوساله‌بازی گذشته. بهتر است به جای گوساله‌بازی، ... اصلاً از کجا معلوم که کارداران این سفارت به افسار مزین نباشند؟ و یکی که باید مدام افسارشان را بگیرد؟!

افغانستان در نگاه مسکو

مهدی زرتشت

داغ‌ترین مطلب دیروز در رسانه‌های چاپی و انترنتی مسکو در خصوص افغانستان، حمله‌ی انتحاری بالای کاروان خارجی نیروهای امریکایی در نزدیکی سفارت امریکا در کابل بود. خبرگزاری «ریا نووستی»، آژانس خبری غیردولتی انترفاکس، روزنامه‌ی «مسکوفسکی نووستی» و همین‌طور «روزنامه‌ی روسیه» تیترها و عنوان‌های مختلفی از این حمله داشتند. ریا نووستی در گزارش خود نوشته است که «در سال ۲۰۱۴ [سال جاری] عملیات نظامی امریکا و متحدان ناتو، طبق جدول زمان‌بندی‌شده، به پایان خود می‌رسد. حمله‌ی انتحاری بر کاروان نظامیان خارجی در حالی اتفاق می‌افتد که این نیروها خود را برای خروج تا پایان سال جاری آماده می‌کنند. البته تعدادی از این نیروها به هدف آموزش نیروهای افغان و پولیس که مسئولیت تأمین امنیت را به عهده دارند، باقی خواهند ماند. سال گذشته، یک سال بی‌سابقه برای کشته‌شدگان نیروهای افغان و خارجی بود. با توجه به اطلاعات تقریبی، در سال ۲۰۱۳ بیش از ۳ هزار نفر در حملات گروه طالبان جان‌شان را از دست دادند.» آژانس اطلاعاتی انترفاکس در گزارش خود هشدار داده است که «تشدید حملات طالبان در شرایط حساس انتخاباتی و هم‌زمان با خروج قریب‌الوقوع نیروهای ناتو تا پایان سال جاری میلادی»، زنگ خطری برای آینده‌ی امنیت افغانستان می‌تواند باشد.

علاوه بر انعکاس حمله‌ی انتحاری دیروز صبح بالای کاروان نیروهای خارجی، حواشی بحث‌ها و گفت‌وگوهای سران سازمان همکاری‌های شانگهای و بحث روی آینده‌ی افغانستان نیز تیتر برخی رسانه‌های مسکو بود. به گزارش نشریه‌ی آزاد «افغانستان. رو»، در نشست سران سازمان همکاری‌های شانگهای، روسیه گفته بود، بحث در مورد آینده‌ی افغانستان، از اولویت کاری اعضای سازمان شانگهای است. علاوه بر مسئله‌ی امنیت و آینده‌ی باثبات افغانستان، رییس جمهور پوتین اذعان داشت که «روسیه در رابطه با افغانستان خواهان حل مسالمت‌آمیز روند انتخابات است.» پوتین گفته است، «روسیه روند انتقال قدرت در افغانستان را کنترول می‌کند و امیدوار است که بحران فعلی انتخابات افغانستان به‌زودی حل شود.» این در حالی که است که گمانه‌زنی در مورد «احتمال عضو شدن افغانستان در شانگهای به‌صورت دایمی [عضو دایمی سازمان شانگهای]» نیز وجود دارد؛ زیرا طبق گزاش‌ها، رییس جمهور پوتین «تبدیل وضعیت کشورهای ناظر سازمان همکاری شانگهای به دایم را مهم می‌داند و در این زمینه به رایزنی سیاسی در رابطه به افغانستان و مسایل دیگر منطقه ادامه می‌دهد.»

نکته: تشدید حملات تروریستی گروه طالبان هم‌زمان با به درازا کشیده شدن نتایج آرا و بن‌بست انتخاباتی و هم‌چنین خروج قریب‌الوقوع نیروهای امریکایی از افغانستان، زنگ خطر جدی برای حکومت جدید و آینده‌ی افغانستان است. از یک‌سال به این‌سو و به‌خصوص با زمزمه‌ی خروج نیروهای ائتلاف بین‌المللی از افغانستان، حملات گروه طالبان در بسیاری از مناطق کشور افزایش یافته است. این در حالی است که ظاهراً امیدواری‌های دولت رییس جمهور کرزی از سیاست امریکا و متحدان بین‌المللی آن در قبال مبارزه با تروریسم و تأمین ثبات در افغانستان، بیش از پیش شکننده و متزلزل شده است. از یک‌سال به این‌سو، کرزی تقریباً هیچ سفری به کشورهای غربی نداشته، بل‌که همواره تلاش کرده است تا آدرس جدیدی برای همکاری به هدف دست یافتن به امنیت و مبارزه با تروریسم در افغانستان، جست‌وجو نماید. تلاش‌ها به هدف هم‌سویی و بحث و گفتمان‌های سیاسی روی موضوع مبارزه با تروریسم با برخی از کشورها، از جمله کشورهای چین، هند، آسیای میانه و روسیه، نشانه‌ی آشکار از خلای اعتماد با شریک استراتژیک قبلی دولت افغانستان است. همین‌طور، در محور بحث قراردادن مسئله‌ی امنیت افغانستان از سوی سران سازمان شانگهای، نشان می‌دهد که گسترش فعالیت‌های تروریستی و دهشت‌افگنی و گسترش افراط‌گرایی، خطر باالقوه برای تمام کشورهای آسیای میانه و روسیه است. این نکته، مصداق همان شعار پوتین است که می‌گوید «Стабильность в Афганистане означает стабильность стран Центральной Азии и России» (ثبات افغانستان، به معنای ثبات کل کشورهای آسیای میانه و روسیه است.)

به هر روی اما تلاش‌های دولت فعلی و دولت جدیدی که قرار است به‌زودی روی کار بیاید، در راستای تأمین امنیت و ثبات دایمی، یک امر مهم و ضروری است. مردم افغانستان در نتیجه‌ی سال‌ها جنگ‌های داخلی و ناامنی سراسری و تهدید طالب و تروریسم، زیان‌های بی‌شماری را متقبل شده و دیگر از ادامه‌ی این وضعیت، به کلی خسته شده‌اند. خلایی که پس از خروج نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا در پایان سال جاری میلادی ممکن است پیش بیاید، از هر راه و آدرسی باید پر شود.

چرا نامزدان نمی‌توانند به توافق برسند؟

■ منبع: الجزیره
■ نویسنده: کاوون کاکر
■ برگردان: حمید مهدوی

برای این‌که مردم افغانستان بتوانند به جلو حرکت کنند، اعلام نتایج انتخابات نباید بیش‌تر از این به تأخیر انداخته شود.

به نظر می‌رسد توافق اخیری که با پادرمیانی جان کری، وزیر امور خارجه‌ی ایالات متحده‌ی امریکا برای پایان دادن به بن‌بست انتخابات افغانستان حاصل شده بود، فروپاشیده است. با وجود تلاش‌های دقایق آخر ایالات متحده و سازمان ملل متحد برای یافتن یک راه‌حل، عبدالله عبدالله، یکی از نامزدان انتخابات ریاست جمهوری افغانستان یک‌بار دیگر اعلان کرده است که نتایج انتخابات را نمی‌پذیرد و گفت‌وگوهای سیاسی به بن‌بست رسیده است.

مطابق به این موافقت‌نامه که بین عبدالله و اشرف غنی به امضا رسید، صد درصد آرا باید تفتیش شده و حکومت وحدت ملی تشکیل می‌شد. براین اساس، برنده‌ی انتخابات که توسط نتیجه‌ی تفتیش آرا مشخص خواهد شد، رییس جمهور و نامزد دیگر یا کسی که او تعیین خواهد کرد، در پست جدیدالتأسیس رییس اجرایی تعیین خواهد شد و در میان دیگر شرایط این موافقت‌نامه، در زمینه‌ی تعیین پست‌های کلیدی امنیتی و اقتصادی، برابری وجود خواهد داشت.

دو دیدار سطح بالای کری از افغانستان و چندین تماس تیلفونی طولانی و با جزئیات بین باراک اوباما، رییس جمهور ایالات متحده و دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری، نیاز بود تا توافق دوجانبه‌ای حاصل شود، توافقی که بر اساس آن، آرای دور دوم انتخابات از نظر تخنیکی تفتیش شدند و گفت‌وگوهای سیاسی ادامه یافتند.

تقلب سازمان‌دهی شده

با این حال، در حالی که در زمان تفتیش آرای انتخابات به نظر می‌رسید که تقدم غنی غیر قابل تصور باشد، عبدالله روند را ترک کرد. این تصمیم در پی خروج قبلی عبدالله از روند، به دلیل آن‌چه که وی آن را «تقلب سازمان‌دهی شده» می‌خواند، اتخاذ شد. بخش سیاسی این توافق میان دو نامزد نیز به دلیل اختلافات در مورد نقش رییس اجرایی، تا حد زیادی به شکست مواجه شد. عبدالله مدعی است که وزیران باید به رییس اجرایی گزارش دهند، در حالی که غنی اصرار دارد که قانون اساسی این صلاحیت را به رییس جمهور داده است. در عوض، غنی پیش‌نهاد کرده است که رییس اجرایی ریاست کمیته‌های فرعی کابینه و کمیته‌های هم‌آهنگی وزارت‌خانه‌ها را بر عهده داشته باشد. هم‌چنین بحث‌هایی در مورد پیش‌نهاد تأسیس شورای اجرایی وزیران، که ریاست آن را رییس اجرایی بر عهده داشته باشد، نیز وجود داشته است.

ساخت‌وسازهای خلاقانه‌ی دقیقه‌ی آخر ممکن برای نامزدان قابل قبول باشند، اما هنوز پرسش‌هایی در مورد این‌که آیا حامیان این نامزدان، به‌ویژه حامیان تندرو عبدالله، نیز آن را خواهند پذیرفت، وجود دارند. هم‌چنین به نظر می‌رسد که انگیزه‌های کمی برای عبدالله وجود داشته باشد تا این توافق را بپذیرد، که در این صورت او باید نتیجه‌ی تفتیش آرای انتخابات را نیز بپذیرد. وقتی که بعدا به او معامله‌ی مشابهی پیش‌نهاد می‌شود، پس چرا او باید مشروعیت پیروزی رقیب خود را بالا ببرد؟

از یک طرف، غنی به‌دنبال توافقی است که انتقال آرام قدرت از یک رییس جمهور منتخب به رییس جمهور منتخب دیگر، برای اولین بار در تاریخ افغانستان را ممکن سازد. او با این انتظار که برنده اعلان خواهد شد، دروازه را برای معامله، حتا پس از اعلان نتیجه‌ی انتخابات، باز گذاشته است و گفته است که رقیبش در حکومتش شامل خواهد بود.

بنابراین، پس از دو ماه توافق جنجالی، نامزدان انتخابات ریاست جمهوری از هم دورند و بن‌بست انتخاباتی هم‌چنان ادامه دارد. مقام‌های ایالات متحده اکنون به‌صورت شخصی می‌پذیرند که شاید طرح کری بیش از حد بلندپروازانه بوده است. این طرح انتظارات متناقض را به وجود آورد: از یک طرف، تفتیش آرای انتخابات برنده و بازنده خواهد داشت و از سوی دیگر، قدرت به‌طور مساویانه بین دو رقیب تقسیم خواهد شد. مطابقت پست جدید رییس اجرایی، که در دنیای اقتصاد یک اصطلاح تعریف شده است، اما در سیستم‌های سیاسی پیشینه ندارد، نیز جای بحث دارد. این کار می‌تواند یک اقدام فراقانون اساسی به منظور تحمیل یک نخست‌وزیر غیررسمی در یک سیستم ریاستی باشد.

یک گام رو به جلو؟

با این وجود، یک گام بزرگ رو به جلو، یعنی تفتیش صد درصد آرای انتخابات ریاست جمهوری وجود داشته است، که تحت نظارت سازمان ملل متحد و با حضور ناظران داخلی و بین‌المللی و رسانه‌ها انجام شده است. سازمان ملل متحد، ایالات متحده و دیگران منتظر اعلان نتایج آنند.

این در حالی است که افغانستان با چالش‌های ترس‌ناکی مواجه است؛ چالش‌هایی از قبیل افزایش شورش‌گری تمام‌عیار و کاهش فعالیت‌های اقتصادی‌ای ناشی از کاهش شدید نیروهای خارجی و کاهش کمک‌های اقتصادی بین‌المللی‌ای که در بیش از یک دهه‌ی گذشته رگ حیات حکومت افغانستان بوده است. به گفته‌ی وزیر مالیه‌ی کشور، به درازا کشیدن فرایند انتخابات به تنهایی ۵ میلیارد دالر برای اقتصاد کشور هزینه داشته است.

انتخابات به‌صورت طبیعی قطبی‌کننده است. توافق میان نامزدان برای پذیرفتن نتایج انتخابات و این‌که در حکومت وحدت ملی با هم کار کنند، از سوی اکثریت مردم افغانستان استقبال خواهد شد. اما تداوم حالت بلاتکلیفی ناشی از فقدان توافق سیاسی، به‌شدت به کشور آسیب زده و خشونت‌های روزافزون و فساد و ضعف کلی قانون و نظم را تقویت می‌کند. این حالت مسلما طالبان و حامیان خارجی آن‌ها، که اخیرا حملات بزرگ و پیچیده‌ای را راه‌اندازی کرده و ده‌های مقام امنیتی و ملکی را کشته و زخمی کرده‌اند، را جسورتر ساخته است.

بدون موجودیت آمار دقیق رای‌دهندگان و هویت آن‌ها، شورش در حال افزایش و حضور گروه‌های مسلح غیرقانونی در کشور و نهادهای ملی ضعیف، انتظار می‌رفت که نتایج انتخابات جنجال‌برانگیز باشد. اما اکنون که آرا چندین بار شمارش و مطابق به معیارهای انتخاباتی بین‌المللی تفتیش شده‌اند، افغان‌ها نباید بیش از این برای اعلان نتایج رای‌شان انتظار بکشند.

چرا ۲۰۱۴ سال خون‌بار برای نیروهای دفاعی کشور شد؟

■ آصف آشنا

سال ۲۰۱۴ برای نیروهای اردو و پولیس کشور، سال خون‌بار و پرتلفات بوده است. این اطلاع تکان‌دهنده را روز گذشته وزیر دفاع که همراه با وزیر داخله‌ی کشور به مجلس سنا فراخوانده شده بود، با سناتوران در میان گذاشت. با آن‌که در تکان‌دهنده بودن این اطلاع هیچ تردیدی نیست، برای من اما تکان‌دهنده‌تر از این، استدلال وزیر دفاع از علت‌های خون‌بار شدن امسال برای نیروهای اردو و پولیس است.

وزیر دفاع به‌دنبال این اطلاع می‌گوید، «چون در سال‌های پیش، بخش عظیمی از بار جنگ را ناتو برمی‌داشت و نیروهای ما فقط بخش کوچکی از جنگ را به پیش می‌برد». این استدلال برای من دو معنا دارد و در هردو صورتش برایم تکان‌دهنده است.

یک: با آغاز سال ۲۰۱۴، «پروسه‌ی انتقال مسئولیت امنیتی به نیروهای افغان» پرونده‌اش تکمیل شد. پروسه‌ای که از نظر من، بسیار شتاب‌زده و به‌دور از «محاسبات دقیق معطوف به امنیت به اجرا گذاشته شد. بی‌آن‌که مجریان این روند اشتباه و شتاب‌زده، اندک توجهی به میزان آمادگی‌های کمی و کیفی نیروهای دفاعی کشور کرده باشند. در این مبحث برای من هم نفس این بی‌توجهی از سوی مجریان «پروسه‌ی انتقال مسئولیت» تکان‌دهنده است و هم نوع قضاوت، ارزیابی و تعریف‌شان از اجرای چنین روند اشتباه، تکان‌دهنده است.

شاید همه‌ی‌مان به‌خاطر داریم که هر بار و در هر ولایت که دور نهایی روند انتقال اجرا می‌شد، رییس این «پروژه–پروسه» از اجرای برنامه‌اش با افتخار و با شور و شعف یاد می‌کرد و هی به مردم اطمینان هوایی و وعده‌های واهی می‌داد که ما با تکمیل شدن این روند، به امنیت بهتر دست می‌یابیم.

بعدها که مبارزات انتخاباتی شروع شد، بار دیگر همه‌ی‌مان شاهد بودیم که از اجرا شدن این برنامه در بسیاری از همایش‌های انتخاباتی، رییس این پروسه با افتخار به عنوان دست‌آورد یاد کرد. حالا، پس از تحقق و پس از افتخارهای شعف‌زده به یک چنین برنامه‌ای، وقتی می‌بینم پیامد انتقال مسئولیت امنیتی برای نیروهای دفاعی کشور، تجربه‌ی خون‌بار و پرتلفات را رقم زده است، تکان می‌خورم. هم به دلیل اجرا شدن این اشتباه و هم برای این‌که می‌بینم، هنوز هم فرد مسئول، به محقق شدن انتقال مسئولیت‌های امنیتی به نیروهای افغان افتخار می‌کند و از آن به عنوان یک دست‌آورد یاد می‌کند.

دو: اگر قرار باشد که جناب وزیر دفاع، با این استدلال که «چون در سال‌های گذشته بیش‌ترینه بار جنگ را ناتو برمی‌داشت...» همه‌چیز را به همین مسئله خلاصه کند، این نوع استدلال برای من تکان‌دهنده است؛ چون می‌بینم که امسال اتفاق‌های به‌مراتب جدی‌تر و اشتباه‌های آسیب‌زننده‌تر از انتقال مسئولیت امنیتی از سوی رییس جمهور کرزی و حلقات سیاسی هم‌نوا با کرزی به اجرا گذاشته شده است. بی‌توجهی به این اتفاق‌های اشتباه در هنگام قضاوت و ارائه‌ی استدلال از عوامل تجربه‌ی خون‌بار سال ۲۰۱۴ برای نیروهای دفاعی و مردم ملکی کشور نیز به خودی خود تکان‌دهنده است.

چون آن‌چه را من شاهد بوده‌ام، در دوازده سال گذشته، شماری از خطرناک‌ترین تروریستان و خطرناک‌ترین هم‌دستان‌شان از سوی نیروهای ناتو و ایالات متحده‌ی امریکا ردیابی و بازداشت شدند که شمار بسیار قابل ملاحظه‌ی‌شان در بگرام زندانی شدند. اما در یک سال گذشته رییس جمهور کرزی و شمار حلقات سیاسی مدافع تفکر طالبانی در دورن نظام، از یک‌سو خطرناک‌ترین زندانیان تروریست را با تمام بی‌توجهی به نقد و اعتراض‌های مدنی–سیاسی از زندان‌ها آزاد کردند و از سوی دیگر، از چنین عمل‌کردشان به عنوان یک حربه‌ی سیاسی–انتخاباتی در شماری از همایش‌های انتخاباتی‌شان استفاده‌ی تبلیغاتی کردند.

حالا، وقتی می‌بینم که باری در ماه‌های گذشته، به پیامد منفی رهایی زندانیان از زندان بگرام از سوی وزیر دفاع، اعتراف صورت می‌گیرد و اطلاع داده می‌شود که کسانی که جنگ طالبان را در هلمند و دیگر ولایات رهبری می‌کنند، زندانیان آزاد شده از بگرام هستند، اما امروز که در حساس‌ترین شرایط سیاسی–امنیتی قرار داریم، به نقش و تأثیرگذاری بازی‌های طالبانی رییس جمهور کرزی و حلقات سیاسی هم‌نوا با او هیچ اشاره صورت نمی‌گیرد و همه‌چیز به این خلاصه می‌شود که چون ناتو سنگینی جنگ را در سال‌های گذشته می‌کشیده است، امسال برای نیروهای دفاعی کشور خون‌بار بوده است و پرتلفات. بلی که نقش محوری ناتو و نیروهای امریکایی در مبارزه با طالبان تأثیرگذار بوده است؛ اما به باور من، جدی‌ترین دلیل تجربه‌ی امسال به عنوان سال خون‌بار برای نیروهای دفاعی، ناشی از حمایت‌های سیاسی از تفکر طالبانی در دورن نظام بوده است، تا عوامل دیگر.

نباید فراموش شود که یک سال گذشته، خطرناک‌ترین زندانیان طالبان از زندان آزاد شده‌اند. به دستور رییس جمهور عملیات روزانه و شبانه‌ی نیروهای ناتو و امریکایی متوقف شده است. کمک خواستن از قوت‌های هوایی ناتو تحت هر شرایطی به دستور رییس جمهور، منع شده است. استفاده از اسلحه‌ی سنگین در مبارزه با طالبان باز هم به دستور رییس جمهور منع شده است.

اگر تأکید وزیر دفاع کشور به نقش محوری ناتو در کشیدن سنگینی بار جنگ، از باب بی‌توجهی به حمایت از طالبان و تفکر طالبانی در دورن نظام بوده باشد، برای من واقعا تکان‌دهنده است. آخر، همین هفته‌ی گذشته، آقای سیاف، یکی از رهبران سیاسی مطرح در کشور، در مراسم تجلیل از هفته‌ی شهید و سیزدهمین سالگرد ترور احمدشاه مسعود، از حمل و انتقال‌های حمله‌کنندگان انتحاری در موترهای شیشه‌سیاه مربوط به مقام‌های بلندپایه‌ی دولتی حرف زد. حرفی که هرچند تازگی نداشت، اما برای بار اول بود که یکی از رهبران سیاسی کشور از چنین اتفاق‌ها و رویدادهایی خبر داد و بر این وضعیت تکان‌دهنده اعتراف کرد.

امیدوارم مقام‌های بلندپایه‌ی دولتی که با تفکر طالبانی میانه‌ای ندارند و نداشته‌اند، در هنگام موضع‌گیری و داوری در قبال گسترش ناامنی و رشد تلفات نیروهای دفاعی کشور، به مسئله‌ی حمایت از طالبان و تفکر طالبانی در دورن نظام، توجه جدی و موردی به خرج بدهند. تا باشد که حامیانِ دورنِ نظامِ طالبان هرچه بیش‌تر از پیش برای مردم معرفی شوند.

دشمن اشتباهی

امریکا در افغانستان
۲۰۱۴-۲۰۰۱

فصل ۹

قسمت ۷۶

کارلوتا گال

برگرداننده: جواد زاولستانی

انفجار نظامی‌گری در پاکستان

کلونل امام در ماه مارچ سال ۲۰۱۰ با یک تن دیگر به نام خالد خواجه که او نیز کارمند پیشین آی‌اس‌آی بود، یک ژورنالیست بریتانیایی و یک راننده، به مناطق قبایلی این کشور سفر کرد. آن‌ها توسط یک گروه که پیش از آن ناشناخته بود و خود را ببرهای آسیایی نام گذاشته بودند، توقیف شدند. ژورنالیست و راننده احتمالا با پرداخت فدیه، بعد از ماه‌ها اسارت آزاد شدند. اما کلونل امام و خواجه به اتهام جاسوسی برای حکومت و امریکایی‌ها، به قتل رسیدند. با وجود سال‌ها معاشرت و آشنایی‌اش با گروه‌های شبه‌نظامی و تلاش‌های آی‌اس‌آی از طریق رهبران طالبان، ملا عمر و سراج‌الدین حقانی، کلونل امام در ماه جنوری ۲۰۱۱ به تیر بسته شد. رهبر طالبان پاکستان در آن زمان، حکیم‌الله محسود، از جریان اعدام او نظارت کرده بود. اعدام کلونل امام، فلم‌برداری و در دی‌وی‌دی پخش شده بود. جنبش طالبان اکنون، افراد خودش را می‌بلعید.

با آن‌که شبه‌نظامیان در برابر اربابان‌شان ایستاده بودند، جنرالان پاکستانی به جای سرکوب، تلاش کردند که آنان را استفاده کرده و به سوی اهداف دیگر سوق دهند. آنان دقیقا با آتش بازی می‌کردند. نخستین نخست‌وزیر زن در تاریخ پاکستان، بی‌نظیر بوتو، بعد از ده سال تبعید در خزان سال ۲۰۰۷ آماده‌ی برگشت به وطن می‌شد. او با مشرف وارد یک معامله شده بود که بر اساس آن، مشرف با استعفا از ریاست ارتش، می‌توانست به حیث رییس جمهور غیرنظامی باقی بماند و بوتو به حیث نخست وزیر کار کند. کیانی که در رسیدن به چنین توافقی کمک کرده بود، به جای مشرف رییس ارتش می‌شد. حزب بی‌نظیر بوتو به پرویز مشرف اجازه داد که برای یک دوره‌ی دیگر در انتخابات شرکت کند و او فرمانی را امضا کرد که تمام دوسیه‌های فساد علیه بی‌نظیر بوتو و نزدیکانش، بسته شود. زمان انتخابات، اوایل سال ۲۰۰۸ تعیین شده بود. پیش از برگشتنش، بوتو جراتش را نشان داد و بیش‌تر از هر سیاست‌مدار دیگر پاکستانی درباره‌ی خطرهای افراط‌گرایی شبه‌نظامیان صحبت کرد. او وارد شدن جنگ‌جویان خارجی در قلمرو پاکستان را نکوهش کرد و خواستار عملیات نظامی در وزیرستان شمالی و جنوبی شد. او از اقدام مشرف علیه شبه‌نظامیان در مسجد سرخ پشتیبانی کرد و حمله‌ی انتحاری را غیر اسلامی اعلان کرد. به نظر می‌رسید که او هر حمله‌ی کننده‌ی انتحاری را که به فکر هدف قرار دادن او بود، به چالش فرا می‌خواند. در آستانه‌ی برگشتن، در دبی گفت: «من باور دارم که هیچ مسلمان واقعی بر من حمله نخواهد کرد، چون اسلام حمله بر زنان را ممنوع کرده است و مسلمان‌ها می‌دانند که اگر آنان بر زنان حمله کنند، در آتش جهنم خواهند سوخت. دوم، اسلام بمب‌گذاری انتحاری را ممنوع کرده است.»[1] چهره‌های مذهبی در افغانستان و پاکستان به خاطر چنین صحبت‌ها کشته می‌شدند و معمولا سیاست‌مداران از این‌گونه به چالش خواندن آشکار خودداری می‌کردند. او وعده‌ی همکاری‌های بیش‌تر با افغانستان و ایالات متحده را در جنگ با تروریزم نیز، داد و در یک مصاحبه حتا ابراز کرد که به امریکایی‌ها اجازه‌ی دست‌رسی به مرد پشت پرده‌ی گسترش برنامه‌های هسته‌ای پاکستان را نیز خواهد داد. این مرد عبدالقادر خان، دانشمند هسته‌ای پاکستان بود. چنین وعده‌ها برای تعداد زیادی در تأسیسات نظامی پاکستان هشداردهنده بود.

بوتو از دو نبرد پس از برگشتش به پاکستان صحبت کرد، یکی علیه تندروی اسلامی و دیگری در برابر دیکتاتوری نظامی در پاکستان. مخالفت او با دیکتاتوری نظامی خیلی عمیق‌تر از مخالفت او با شخص پرویز مشرف بود. پدر بوتو، نخست وزیر ذوالفقار علی بوتو، در سال ۱۹۷۹ میلادی توسط جنرال ضیاءالحق سرنگون و اعدام و خودش زندانی شده بود. در سال‌های پسین‌تر، او نظامیان را در کشتن دو برادرش و مشرف را به خاطر زندانی کردن شوهرش آصف‌علی زرداری به اتهام فساد، مقصر می‌دانست. اکثر نظامیان پاکستانی از طبقه‌ی سیاسی پاکستان به ویژه، حزب مردم پاکستان که گرایش سوسیالیستی داشتند، و رهبران آن یعنی خانواده‌ی بوتو، نفرت داشتند و اغلبا از آنان با عنوان فیودال و فاسد و بی‌توجه به منافع استراتژیک پاکستان انتقاد می‌کردند.

چهره‌های قدرتمند به شمول اعجاز شاه، رییس اداره‌ی استخبارات داخلی پاکستان، دیدگاهش را در یک جلسه‌ی حکومتی ابراز کرده و گفته بود که برگشتن او به نفع پاکستان نیست.[2] رییس جمهور افغانستان و اداره‌ی استخباراتش نیز در ماه‌های پیش از برگشتن بی‌نظیر بوتو به پاکستان، به او هشدار داده بودند که اطلاع یافته اند، شبه‌نظامیان قصد کشتن‌اش را دارند. آنان به بوتو گفته بودند که نظامیان پاکستانی از توطئه‌ی قتل او آگاهند، اما برای جلوگیری از آن کاری انجام نمی‌دهند. اداره‌ی استخبارات افغانستان به طور غیر مستقیم از سوی مأموران اطلاعاتی‌اش خبر شده بود که در یک جلسه‌ی فرماندهان قول اردوها، رییس ارتش، مشرف، و قدرتمندترین جنرالان او درباره‌ی یک توطئه‌ی نظامی برای کشتن بی‌نظیر بوتو بحث کرده‌اند. جنرالان شواهد موجی از حمله‌های انتحاری برنامه‌ریزی شده را در دست داشتند که هدف آن نه تنها کشتن بی‌نظیر بوتو، بلکه کشتن نخست وزیر، شوکت عزیز، و آفتاب شیرپاو، وزیر داخله، نیز بود. یک مقام بالارتبه‌ی حکومت افغانستان به من گفت: «آن‌ها می‌دانستند که علیه او {بی‌نظیر بوتو} یک حمله برنامه‌ریزی شده است.» او گفت که نظامیان پاکستانی تصمیم گرفته بودند که نگذارند بوتو بار دیگر به قدرت برسد، «آنان از تصور برگشتن بوتو نفرت داشتند.» با آن‌که مشرف با برگشتن بوتو موافقت کرده بود، به گفته‌ی مقام‌ها، تصمیم گرفته بود که به شبه‌نظامیان اجازه بدهد او را از میان بردارد. این اطلاعات ثابت شده نبود، اما مقام‌های دولت افغانستان فکر کرده بودند که این بحث در چنان سطح بالا خیلی مهم بوده است. بنابر این، آن‌ها به دبی نفر فرستادند تا این اطلاعات را با بوتو در میان بگذارند. مقام

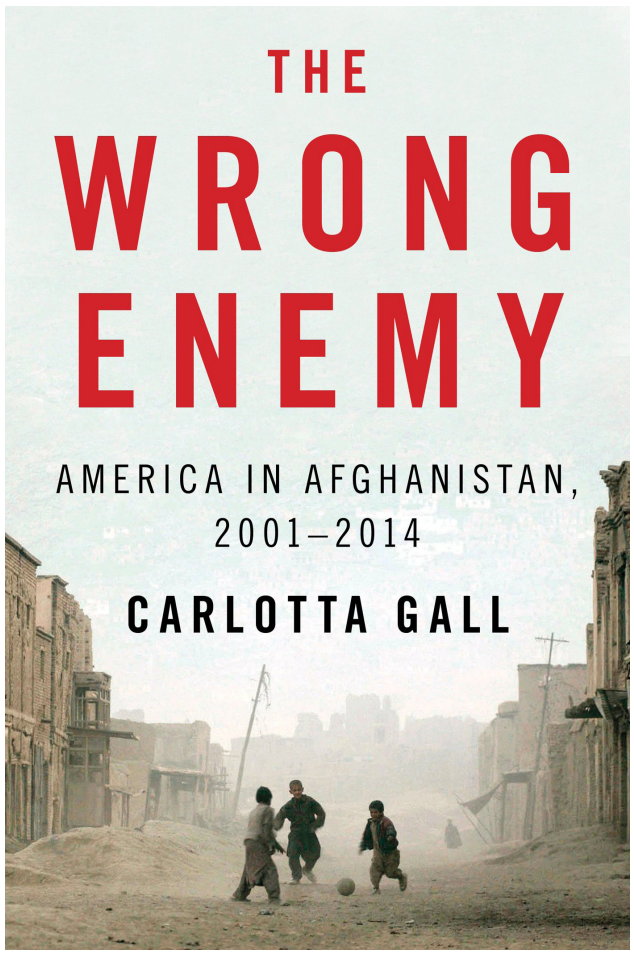

بوتو از دو نبرد پس از برگشتش به پاکستان صحبت کرد، یکی علیه تندروی اسلامی و دیگری در برابر دیکتاتوری نظامی در پاکستان. مخالفت او با دیکتاتوری نظامی خیلی عمیق‌تر از مخالفت او با شخص پرویز مشرف بود. پدر بوتو، نخست وزیر ذوالفقار علی بوتو، در سال ۱۹۷۹ میلادی توسط جنرال ضیاءالحق سرنگون و اعدام و خودش زندانی شده بود. در سال‌های پسین‌تر، او نظامیان را در کشتن دو برادرش و مشرف را به خاطر زندانی کردن شوهرش آصف‌علی زرداری به اتهام فساد، مقصر می‌دانست. اکثر نظامیان پاکستانی از طبقه‌ی سیاسی پاکستان به ویژه، حزب مردم پاکستان که گرایش سوسیالیستی داشتند، و رهبران آن یعنی خانواده‌ی بوتو، نفرت داشتند و اغلبا از آنان با عنوان فیودال و فاسد و بی‌توجه به منافع استراتژیک پاکستان انتقاد می‌کردند.

دولت افغانستان به بوتو گفته بود که «{حکومت} پاکستان در زنده دیدن تو، هیچ منفعتی نمی‌بیند.» کرزی از بوتو خواسته بود که برای امنیتش، اقدامات احتیاطی را در نظر بگیرد. در همان ماه، سپتامبر ۲۰۰۷، یکی از مطلوب‌ترین شبه‌نظامیان پاکستان برای آی‌اس‌آی، قاری سیف‌الله اختر، از سه سال بازداشت حفاظتی آی‌اس‌آی آزاد شد. او یکی از همکاران نزدیک بن لادن و ملا عمر بود و در یک اقدام به کودتا علیه بوتو در سال ۱۹۹۵ دست داشت. بر اساس یک منبع استخبارات پاکستان، «در بامداد یک روز ملایم ماه سپتامبر ۲۰۰۷، یک موتر او را از خانه‌ی امنش گرفت و در نزدیک شاهراه اسلام‌آباد، پایین کرد.» یکی از خطرناک‌ترین شبه‌نظامیان که به نفرتش از بوتو مشهور بود، تازه رها شده بود.

چند هفته بعد، به تاریخ ۱۸ اکتوبر ۲۰۰۷، بوتو به کراچی پرواز کرد. من یکی از ده‌ها ژورنالیستی بودم که او را همراهی می‌کردند. او به بازو و گردنش تعویذ بسته بود و زمانی که پا بر خاک پاکستان گذاشت، دعا کرد. او به خدا پناه برده بود. چند ساعت بعد که بوتو در یک بس روباز، از جاده‌های پوشیده از پرچم‌های در حال اهتزار و هواداران در حال شعار دادن عبور می‌کرد، دو انفجار بزرگ در نزدیک وسیله‌ی نقلیه‌ی او روی داد و موتر پیش‌قدم پولیس، محافظان و هوادارانش را تکه تکه کرد. بوتو جان سالم به درد برد، اما ۱۴۹ نفر کشته و ۴۰۰ تن دیگر زخمی شدند. این انفجار توسط دو حمله‌کننده‌ی انتحاری صورت گرفته بود که در وسط جمعیت وارد شده بودند. یک افسر ارشد پولیس کراچی بعد از آن گفت، هر ساچمه‌ی کوچک به اندازه‌ی یک گلوله مرگبار بود. او افرادی در حکومت و رهبر شبه‌نظامیان، قاری سیف‌الله اختر، را متهم به دست داشتن در این حمله کرد. او به مردم گفت که مشرف مستقیما او را تهدید کرده است و خواستار تأمین امنیتش شد. کرزی بار دیگر از بوتو خواست که بیش‌تر احتیاط کند و از اداره‌ی استخباراتش خواست که برای او یک موتر زرهی مجهز با دستگاه قطع‌کننده‌ی موج‌های برقی که سیگنال تلفن را قطع می‌کند و معمولا برای انفجار بمب استفاده می‌شود، آماده کند. اداره‌ی استخبارات افغانستان کار بالای آن را شروع کرد، اما افغانستان موتر زرهی با فرمان دست چپ و زمان برای آموزش افراد برای کار گرفتن از این وسیله‌ی نقلیه را نداشت. بوتو بی‌باکانه مصروف کاروزار انتخاباتی پیشاپیش انتخابات ماه جنوری شد. او اصرار داشت که با موج متحرک مردم از یک موتر روباز دست بدهد.

---

۱ بوتو در یک کنفرانس خبری در دبی صحبت کرد و من در آنجا حضور داشتم، ۱۷ اکتوبر ۲۰۰۷.

۲ مصاحبه با اعجاز شاه، لاهور، ۱ دسمبر ۲۰۱۲.

چهتکه

یاد داشت های
سخیداد هاتف از شنبه تا پنجشنبه

بازار خویش
و آتش ما سرد می‌کنی

دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری افغانستان با هم‌دیگر دیدار کردند. در این دیدار هردو طرف توافق کردند که در دیدار بعدی دقیقا مشخص کنند که بار دیگر در کجا دیدار کنند. از چیزهای تازه‌ای که در این دیدار رخ داد، این بود که هردو نامزد قبول کنند که با هم‌دیگر مشاعره کنند و هرکس که مشاعره را باخت، در حقیقت انتخابات را هم باخته است. قرار شد که یک نامزد بیتی بگوید و نامزد دیگر در جواب او بیتی دیگر بگوید، به شرطی که اولین حرف در بیت جوابیه‌ی او، همان آخرین حرف در بیت نامزد اولی باشد. شیر و خط کردند و قرار شد که داکتر عبدالله اولین بیت را بگوید. وی گفت:

زنهار در این دو راهه‌ی آز و نیاژ
چیزی نگذاری که نمی‌آیی باژ

داکتر احمدزی تبسمی کرد و فورا پاسخ داد:

ژان یار دل‌نوازم، شکری است با شکایت
سرها بریده بینی، بی‌جرم و بی‌تشبث

داکتر عبدالله نزدیک بود ببازد. چرا که هرچه چرت می‌زد، بیتی یادش نمی‌آمد که با «ث» شروع شود. آخر گفت:

ثکندر برید و درید و شکست
یلان را سر و سینه و پا و حلق

داکتر احمدزی کمی چرت زد. یک بیت یاد داشت که با «ق» شروع می‌شد، اما آخرش خوبش نبود. ولی ناگزیر شد همان را بگوید:

قرچند که دور از تو و پیش دگرانم
هرجا که رسم نام تو آید به دهانم

داکتر عبدالله خوش‌حال شد. حافظه‌اش پر بود از ابیاتی که با «م» شروع می‌شوند. گفت:

من ندارم به هیچ کار غرض
و مریضی بود در اصل مرض

داکتر احمدزی در پاسخ گفت:

ضمن عرض سلام و آرزوی موفقیت برای شما
من دلم خواهد رییس جمهور باشم به خدا

داکتر عبدالله گفت:

این خیال خود بری روزی به گور خویشتن
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

خلاصه هرچه مشاعره کردند، کسی برنده نشد. قرار شد در جلسه‌ای دیگر، هردو نفر در حضور چند داور بین‌المللی صدای وحوش و طیور را تقلید کنند و هرکس تقلید بهتری کرد، رییس جمهور باشد و نفر دوم رییس اجرائیه. گزارش آن دیدار را بعدا منتشر خواهیم کرد.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

برای متعلمین و محصلین		برای ادارات دولتی و شرکتها		Subscribe to Daily Etilaat Roz	
سه ماهه	۷۵۰ افغانی	شش ماهه	۲۵۰۰ افغانی	6 Months	100$ USD
شش ماهه	۱۳۰۰ افغانی				
یک ساله	۲۵۰۰ افغانی	یک ساله	۴۰۰۰ افغانی	Annual	180$ USD

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.

تحصیل کرده ترین جوامع جهان کدام‌هااند؟

امروزه در مقایسه با گذشته، افراد بیش‌تری از شرایط و امکانات لازم برای ادامه‌ی تحصیل در مقاطع بالای آموزشی بهره‌مند اند. از هر سه فرد بزرگ‌سال در کشورهای پیش‌رفته، یک نفر در سال ۲۰۱۲ میلادی مدرک دانشگاهی اخذ کرده که این آمار افزایش چشم‌گیری نسبت به سال ۲۰۰۰ میلادی داشته، به‌طوری که در آن سال از هر پنج فرد بزرگ‌سال، تنها یک نفر به این سطح از تحصیلات دست می‌یافت. طبق اطلاعات منتشر شده از سوی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) بیش از نیمی از افراد بزرگ‌سال در روسیه در سال ۲۰۱۲ به مدارک دانشگاهی دست یافته‌اند که این رقم نسبت به دیگر کشورهای مورد مطالعه، بیش‌تر بوده است. این در حالی است که کمتر از چهار درصد بزرگ‌سالان چینی در این سال مدرک دانشگاهی اخذ کرده‌اند.

نشریه‌ی «۲۴,۷ وال استریت» در این مطالعه به بررسی ۹ کشور با بیش‌ترین تعداد افراد صاحب مدرک دانشگاهی پرداخته است. طبق این مطالعه، تحصیل‌کرده‌ترین جمعیت‌ها در کشورهایی هستند که به نظر هزینه‌ی تحصیلات دانشگاهی، بالاترین آمار را دارند. هزینه‌ی تحصیلات دانشگاهی در شش نمونه از تحصیل‌کرده‌ترین کشورها بالاتر از متوسط سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، یعنی ۱۳ هزار و ۹۵۷ دالر بوده است. به‌طور مثال، هزینه‌ی تحصیلات عالی در امریکا به ازای هر دانشجو، ۲۶ هزار و ۲۱ دالر است.

به گفته‌ی «آندریاس اسچلیچر»، مدیر مهارت‌های تحصیلی در سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، تحصیل در امریکا پرهزینه‌تر شده و میزان وام دانشجویی در سال‌های اخیر به سطح دردسازی رسیده است. با این وجود، تحصیلات تکمیلی هنوز سرمایه‌گذاری خوبی در امریکاست. البته تحصیلات تکمیلی برای دولت این کشور نیز سرمایه‌گذاری باارزشی به حساب می‌آید.

به‌رغم ارزش سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی آموزش، استثناهایی هم وجود دارند. به‌طور مثال، کوریا و روسیه در سال ۲۰۱۱ به ازای هر دانشجو، کمتر از ۱۰ هزار دالر در حوزه‌ی تحصیلات دانشگاهی اختصاص داده که از متوسط مبلغ اعلامی از سوی سازمان توسعه و همکاری پایین‌تر است. با این وجود، هم‌چنان در ردیف تحصیل‌کرده‌ترین کشورهای جهان به حساب می‌آیند. هم‌چنین کیفیت نیز همیشه به داشتن مهارت‌های قوی‌تر تعریف نمی‌شود. در حالی که از هر چهار فارغ‌التحصیل کالج در امریکا، یک نفر به سطح بالایی از مهارت سواد می‌رسد، در فنلاند، جاپان و هالند این رقم بیش از ۳۵ درصد است.

با این وجود، کشورهایی با سیستم قوی‌تر در حوزه‌ی آموزش عالی از سطح بالاتری از مهارت‌های پیش‌رفته برخوردار هستند. تقریبا ۱۲ درصد افراد بزرگ‌سال در سراسر کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری عمل‌کردشان در بالاترین سطح کارآیی سواد در سال ۲۰۱۲ بوده است.

در این بررسی، تحصیل‌کرده‌ترین جوامع جهان بر حسب بالاترین سهم افراد ۲۵ تا ۶۴ سال با تحصیلات دانشگاهی در سال ۲۰۱۲ مورد ارزیابی قرار گرفتند. اطلاعات بررسی شده در این گزارش شامل نسبت افرادی که سطوح متفاوت تحصیلی را به اتمام رسانده‌اند، نرخ بی‌کاری و هم‌چنین هزینه‌های آموزش عمومی و خصوصی بوده است. در فهرست زیر تعدادی از کشورهای جهان که بالاترین میزان افراد تحصیل‌کرده را دارند، نام برده شده است:

روسیه: بیش از ۵۳ درصد افراد بزرگ‌سال ۲۵ تا ۶۴ سال در روسیه در سال ۲۰۱۲ یکی از مدرک‌های حوزه‌ی آموزشی عالی را اخذ کرده‌اند که نسبت به دیگر کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری، رتبه‌ی بالاتری محسوب می‌شود. این کشور به‌رغم اختصاص هزینه‌ی پایین در حوزه‌ی آموزش عالی، به لحاظ آمار دارندگان مدارک تحصیلات تکمیلی، بالاترین رتبه را کسب کرده است.

کانادا: در سال ۲۰۱۲ بیش از نیمی از افراد بزرگ‌سال در کانادا به تحصیلات دانشگاهی در این کشور دست یافته‌اند. در سال ۲۰۱۱، هزینه‌ی اختصاصی به ازای هر دانشجو، ۲۳ هزار و ۲۲۶ دالر بوده است. نزدیک به ۱۵ درصد افراد بزرگ‌سال در کانادا عمل‌کردشان در بالاترین سطح مهارت سواد است؛ در حالی که این رقم در سازمان توسعه و همکاری به‌طور میانگین ۱۲ درصد است.

جاپان: در جاپان نیز هم‌چون امریکا، کوریا و انگلیس، هزینه‌ی تحصیلات آزاد شامل بخش کثیری از هزینه‌ی تحصیلات دانشگاهی است. به گفته‌ی اسچلیچر، در حالی که این وضعیت اغلب موجب نابرابری اجتماعی می‌شود، هم‌چون بیش‌تر کشورهای آسیایی، خانواده‌های جاپانی تمایل دارند برای تحصیلات فرزندان خود پس‌انداز داشته باشند.

امریکا: در سال ۲۰۱۱ میلادی، بیش از ۲۶ هزار دالر به ازای هر دانشجو در امریکا صرف تحصیلات دانشگاهی شد که از متوسط ۱۳ هزار و ۹۵۷ دالر اعلام شده توسط سازمان توسعه و همکاری، تقریبا دو برابر بیش‌تر بود. هزینه‌های خصوصی به شکل شهریه‌های مؤسسات، قسمت اعظمی از این هزینه را در برمی‌گرفت.

کوریا: به‌رغم آن‌که در این کشور هزینه‌ی اختصاص یافته برای دانشجویان به ازای هر نفر، کمتر از ۱۰ هزار دالر در سال ۲۰۱۱ بوده، اما مردم کوریا هم‌چنان جزو تحصیل‌کرده‌ترین کشورهای جهان به حساب می‌آیند. در حالی که ۱۳,۵ درصد از افراد بزرگ‌سال در کوریا که ۵۵ تا ۶۴ سال سن دارند، در سال ۲۰۱۲ مدارک دانشگاهی خود را تکمیل کرده‌اند، دوسوم افراد ۲۵ تا ۳۴ سال در این کشور به این وضعیت رسیده‌اند. بنا بر این گزارش، رشد فعلی در حوزه‌ی تحصیلی به دلیل دست‌رسی نسبتا برابر در حوزه‌ی آموزش عالی در کوریا بوده است.

استرالیا: در این کشور بیش از ۱۶ هزار دالر به ازای هر دانشجو هزینه می‌شود. سیستم آموزش عالی استرالیا یکی از مشهورترین سیستم‌های آموزشی میان دانشجویان بین‌المللی است که پنج درصد تمامی دانشجویان خارجی را به خود جذب می‌کند. هرچند در امریکا با وجود دانشکده‌ها و دانشگاه‌های متعدد، این رقم ناچیز است.

انگلیس: در حالی که بسیاری از اقتصادهای ملی، از جمله امریکا، در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ رشد داشته، در این بازه‌ی زمانی شاهد افت رشد اقتصادی در انگلیس بوده‌ایم. طبق گفته‌ی اسچلیچر، انگلیس یکی از معدود کشورهایی است که به‌رغم مشکلات اقتصادی، دارای روی‌کردی ثابت و مداوم در سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی آموزش عالی است.

نیوزیلند: بحران اقتصادی جهانی تأثیر بسیاری بر هزینه‌های حوزه‌ی آموزش عمومی در نیوزیلند نداشته است. در حالی که در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱، هزینه‌ی آموزش عمومی در بسیاری از کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری کاهش داشته، این رقم در نیوزیلند طی این مدت با افزایش ۲۰ درصدی روبه‌رو بوده است. هم‌چنین در سال ۲۰۱۱ میلادی ۱۰ هزار و ۵۸۲ دالر به ازای هر نفر در حوزه‌ی تحصیلات دانشگاهی در نیوزیلند اختصاص داده شده است.

ایرلند: نزدیک به ۴۰ درصد افراد ۲۵ تا ۶۴ سال در این کشور در سال ۲۰۱۲ تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند که نشان‌دهنده‌ی افزایش چشم‌گیری نسبت به یک‌دهه‌ی گذشته با رقم ۲۱,۶ درصد بوده است. وخیم‌تر شدن وضعیت بی‌کاری در سال‌های اخیر در ایرلند، ممکن است کسب مقاطع تحصیلی بالاتر را برای مردم این کشور جذاب‌تر ساخته باشد.
(برترین‌ها)

بگو مگو از facebook

Sakhidad Hatif

باور تان نمی‌شود، ولی رفیق من سیدعیسی الحسینی المزاری در کابل مراسم شکرگزاری به خاطر سلامتی امام خامنه‌یی برگزار کرد. در وبسایت خود گفته که افغان‌ها حاضر اند جان خود را برای سلامتی خامنه‌یی بدهند. این درست است و جای مناقشه ندارد. خود من حاضرم برای آن کاکا بمیرم. ولی چه سود که ما جان خود را بدهیم؟ سلامت ایشان یک طبیب خوب کار دارد. نمی‌شود که پروستات آقا در تهران هی باد کند و ما در افغانستان گله گله خطاب به ایشان فوت کنیم و امیدوار هم باشیم که ایشان خوب شود. یک کمی منطق.

در ضمن، گاهی از هر دو طرف ضرر می‌کنیم. گفتیم «خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار! از عمر ما بکاهو! بر عمر وی بیفزا!». نتیجه این شد که خدا از عمر ما بکاهود، ولی نامرد آن را بر عمر وی هم نیفزود. هم او مُرد و هم عمر ما کوتاه شد.

من می‌گوییم بهتر است چشم مان را از پروستات آقا بر نداریم. پروستات خیلی ناکس است. همین که چشمات را برداری که ببینی ساعت چند قبل از میلاد است، خلوفت نفس آقا را کشیده. می‌گویم نوبت کنیم. اصلا یک سازمان فداییان بسازیم بنام «فداییان آن رهبر تابان» یا «فارت». وظیفه‌ی سازمان فارت این باشد که نگذارد در زیر هیچ شرایطی آقا بمیرد. بگذاریم نامردنی‌ها دو تا شوند.

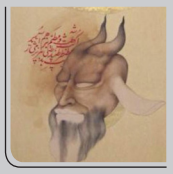

Asad Buda

آیه‌ها و سوره‌ها- ۶

در سرزمینی که نهادهای اجتماعی فاسداند، «دوست/دوستان» یگانه منبعِ اعتماد و پناهِ آدمی است. وقتی نهادهایِ اجتماعی کارایی ندارند و ما را در برهوتِ سردرگمی و ناامنی و فقر و جهالت و درنده‌خویی رها نموده و تنها می‌گذارند، فقط دوستی و «وفاداری» به «خیرِ درونی» است که ما را از فروپاشی نجات می‌دهد. اما در وضعیتی که حتا دوستی وجود ندارد و زمین لرزه آن قدر ویران‌گر است که پایه‌های اعتماد به روابطِ شخصی نیز فرو می‌ریزند، بی‌پناهی و تنهایی امرمحتوم و مقدر خواهد بود. در چنین وضعیتی یگانه راهِ زنده ماندن و سرِ پا ایستادن آن است که قید رابطه‌های کاذب را بزنیم، دوستِ خود و پناهِ خود باشیم و همچون «گلِ آفتاب گردانِ سیاه»- ی بی‌خیالِ نورِ بیرونی و روشنیِ خورشید از تاریکی و تباهیِ خود لذت ببریم و سرمست شویم. مرجعِ سعادتِ آدمی خودِ اوست. ارجاع‌های بیرونی کاذب، گذرا و ناپایدراند. دیر یا زود ویران می‌شوند. اما رسیدن به این مرحله که در تاریکیِ درونی نورِ زندگی می‌درخشد، آسان نیست؛ مستلزمِ ریاضت کشی‌های بسیار است. کشفِ زیبایی‌هایِ سیاهی که در واقع بدون «فراموشیِ فعال» و کنار زدنِ لایه‌هایِ کاذبِ زندگی ممکن نیست، آدمی را به موجودِ سخت و شکست‌ناپذیری بدل می‌کند که اعتمادش را به «خیرِ بیرونی» کلاً از دست می‌دهد و هر پناه گاهی جز خودِ سیاه و تنها و تاریک‌اش را خَوار و ناچیز می‌شمارد.

Yasin Samim

پاسخ رهبری تیم اصلاحات و همگرایی چیست؟

از روز نخست هم نوشتم که نوار صوتیِ منسوب به استاد کریم خلیلی دست داشتن مستقیم او را در سازمان‌دهی و اجرای تقلب ثابت نمی‌کند، امّا در بخش‌های آن نوار پخش شده، استادخلیلی به پیروان و اعضای کمپاین تیم مورد حمایت‌اش دستور می‌دهد که با استفاده از هر ابزار غیرقانونی، صندوق‌ها را پُر کنید تا اعتبار از دست رفته بازگردد. در صورتِ واقعیت، این دستور قانون‌شکنی بزرگی است.

به هرحال، تأکید من در همان روزهای نخست این بود که حامیان استاد به جای بد دفاع کردن از استاد خلیلی، بهتر است اجازه دهند تا استاد خلیلی خود با استفاده از صلاحیت و اتوریتهٔ مشروع خود عاملان این قضیه را- در صورتی که نوار جعلی ثابت شود- به دادگاه بکشاند. امّا مدافعان دو آتشهٔ استاد و برخی از حواریون تیم تداوم و تحول یک سره به تیوری بافی‌های نابجا پرداختند و تا سرحد « ضرورت نقش قبر» پیش رفتند و بجای تمرکز تخنیکی و قانونی روی اصل مسأله، گذشته‌ها را دِگری آوار کردند.

به هرحال، طبق اظهار نظر برگزارکنندگان پرس کانفرانس امروز، دو-سه نهاد معتبر بین‌المللی «جعلی بودنِ صدای» استاد خلیلی را ثابت کرده‌اند. در صورتی که چنین اسنادی در اختیار استاد و همکارانِ نزدیک او قرار گرفته است، می‌باید به زودترین فرصت به گزینه‌های بعدی اقدام کنند. یعنی، رسماً از تیم اصلاحات و همگرایی تقاضا کند که عاملانِ جعل کاری را معرفی نمایند تا به پنجهٔ قانون سپرده شوند. دوم- روشن سازد که آیا این بررسی به طور یک جانبه صورت گرفته و یا رهبری تیم اصلاحات هم در جریان قرار گرفته است؟ اگر آن‌ها بی طرف بودن نهادهای وارسی کننده را تصدیق کنند، در آن صورت پاسخ تیم اصلاحات و همگرایی نسبت به هتک حرمت و دسیسه علنی علیه یکی از بلندپایه‌ترین مقام‌های دولتی و رهبر یک جریان سیاسی چیست؟

آصف مهاجر

وضعیت عمومی کشور مطلوب نیست، افغانستان در گرو بحران‌هاست. از بحران ناامنی و بی‌ثباتی گرفته تا فقر و بی‌کاری، مردم کشور را به معنای واقعی زیر گرفته اند. راه حل چیست، پیش از هر راه حل نظری و آرمانی، جامعه‌ی ما نیازمند حکومت کاراء و مسوول است، حکومتی که بدبختی‌های مردم را درک کند و برای عبور از وضعیت بحرانی طرح و برنامه داشته باشد و کار کند. فکر می‌کنم بازی با احساسات همان طوری که ما را در گذشته ضربه زده است، اکنون نیز کارایی ندارد. جامعه ما به معنای واقعی کلمه نیازمند تغییر است، تغییر در حکومت‌داری که مبتنی به قانون اساسی و خواست‌های مشروع مردم باشد. حکومت‌داری با سلیقه‌ها و علایق شخصی و گروهی، فاجعه خلق می‌کند، مصلحت‌گرایی بیش از حد نیز شاریدگی را به بار می‌آورد. تنها حکومت قانون‌گرا و برنامه‌محور که به قانون اساسی اعتقاد داشته باشد، خواست مشروع مردم را اصل بداند و برای برآورده ساختن این خواسته‌ها کار کند، راه حل عملی و واقعی است.

روزنامه اطلاعات

انریکه: برای همه جام‌ها تلاش خواهیم کرد

لوئیز انریکه پیش از بازی بارسلونا مقابل آپوئل نیکوزیا در کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد. سرمربی بارسلونا در مورد بازی مقابل آپوئل نیکوزیا گفت: «لیگ قهرمانان برای من تورنمنت جذاب و زیبایی است. تیم شرایط خوبی دارد. در آغاز فصل هستیم و جا برای بهتر شدن وجود دارد. قطعا با توجه به ترکیبی که در اختیار داریم و روندمان در سال‌های اخیر اهداف کوچک در لیگ قهرمانان مفهومی نخواهند داشت. در حال حاضر هدف‌مان کسب پیروزی در اولین بازی است.»

وی در مورد این بحث که کدام دروازه‌بان باید در ترکیب اصلی بارسا قرار بگیرد بیان داشت: «هر دروازه‌بانی که قرار باشد در ترکیب باشد از قبل به او اطلاع می‌دهم. از زمانی که به بارسا آمدم گفتم که سه دروازه‌بان خوب در اختیار دارم و بهترین تصمیم را برای ترکیب خواهم گرفت. اولویتم برای دروازه‌بانی چه کسی است؟ خواهید دید.»

انریکه در این باره که قهرمانی در کدام تورنمنت برایش جذاب‌تر است توضیح داد: «هر تورنمنتی که آن را ببریم برایم جذاب‌تر خواهد بود. من بر اساس جام‌هایم مورد قضاوت قرار خواهم گرفت. برای همه جام‌ها تلاش خواهیم کرد.»

وی در مورد روند نیمار گفت: فصل گذشته خیلی خوب کرد. انگیزه، گول‌زنی و تلاش زیادی داشت. بی‌نظیر است. اگر بتواند بهتر شود و به جلو حرکت کند فوق‌العاده خواهد بود.

مربی بارسا در این باره که سیاست نقل و انتقالات تیمش چه خواهد بود توضیح داد: «فرمول من خرید در پست‌هایی است که لاماسیا در آن‌ها پوشش لازم را نداده است. به هر صورت هر فرمولی که مورد استفاده قرار گیرد، هدف‌مان پیروزی خواهد بود.»

پیکه: من یک کاتالانی هستم

جرارد پیکه پیش از بازی بارسلونا و آپوئل نیکوزیا در کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد. مدافع بارسلونا در کنفرانس مطبوعاتی گفت: «حس خیلی خوبی داریم. خوش‌حال هستیم که سه بازی اول را با پیروزی پشت سر بگذاریم. حریف فردای ما نه سطح بالایی دارد و نه شناخته شده است اما مسلما به ثمر رساندن گول اول مشکل خواهد بود.»

پیکه در مورد نیمکت نشینی خود در بازی‌های اخیر اظهار داشت: از نظر بدنی شرایط خوبی دارم. نیمکت نشینی من در بازی قبلی یک تصمیم فنی بود و باید آن را بپذیرم. به خوبی تمرین کرده‌ام. ناراحتی من مشهود است و هنوز احساس درد می‌کنم. هرگز خود را یار فیکس یا ذخیره ندانسته‌ام. سعی می‌کنم به بهترین شکل با انتقادات کنار بیایم. از روند تیمی راضی هستم و نمی‌توانم نظر رسانه‌ها و مردم را تغییر دهم.

وی در مورد حضور خود در راهپیمایی مردم کاتالونیا در پنجشنبه گذشته توضیح داد: «من یک کاتالانی هستم و می‌خواستم در این جشن حضور داشته باشم. می‌خواستم بخشی از جمعیت ۱,۸ میلیون نفری باشم. نباید در مورد علاقه‌ی من به حضور در تیم ملی اسپانیا تردید ایجاد کرد. من یازده سال در تیم ملی بوده‌ام. این قضیه کاملا با نظر من در مورد همه پرسی برای استقلال کاتالونیا فرق دارد. مردم حق رای دادن دارند و می‌توانند در یک کشور دموکراتیک نظر خود را آزادانه بیان کنند.» پیکه در مورد عمل‌کرد خوب بارسلونا در ساختار دفاعی گفت: «مسلما بهتر شده‌ایم اما هنوز خیلی از فصل باقی مانده است. باید در طول فصل سخت تلاش کنیم.»

مدافع بارسلونا در مورد روند نابسامان ریال توضیح داد: «نمی‌توان گفت، حالا که از آن‌ها پیش افتادیم، همه چیز تمام شده است. نمی‌توان گفت که هرگز در طول فصل به ما نزدیک نخواهند شد.»

وی در مورد لوئیز انریکه گفت: «می‌دانستیم که علیرغم این‌که اولین حضور خود را در بارسا دارد این اتفاقات رخ می‌دهد. با جدیت با ما تمرین کرد و مسلما بازی خوبی در پیش خواهد بود.»

اخیرا خبری مطرح شده بود مبنی بر این که نیمکت نشینی او و نیمار در مقابل اتلتیک به علت تماشای بدون اجازه بازی بسکتبال بوده است. وی گفت: «این خبر نشانه‌ای از رفتار خبرنگاران در این روزهاست. آن‌ها این خبرها را منتشر می‌کنند تا کلیک‌های بیش‌تری روی صفحات وب‌شان زده شود. این خبر کذب است، همان‌طور که نیمکت نشینی نیمار کذب بود.»

مدافع بارسلونا در مورد همکاری زوج مسی – نیمار گفت: «آن‌ها مثل همیشه هستند اما کاملا طبیعی است که هواداران امیدوار باشند. بهترین‌های دنیا در این جا هستند تا سرنوشت بازی‌ها را تعیین کنند.»

پیکه در مورد دادگاه شکایت بارسا از مدیر سابق خود، لاپورتا گفت: «وارد این مقوله نمی‌شوم.» و در مورد بازی فردای لیگ قهرمانان اظهار داشت: «بارسا چهار بار قهرمان اروپا شده است. نسل بسیار خوبی در این تیم وجود دارد و می‌خواهیم جام‌های بیش‌تری را بدست بیاوریم.»

وی در مورد دو هم تیمی خود، ماتیو و بارترا نیز صحبت کرد: «ماتیو خیلی سریع است. می‌تواند با توپ به سمت جلو حرکت کند و به خوبی با بارسا هماهنگ شده است. در مورد بارترا نیز چند هفته پیش با هم خصوصی صحبت کردیم و نمی‌خواهم این حرف‌ها را در ملاء عام مطرح کنم.»

آغاز دوئل رونالدو–مسی در لیگ قهرمانان

از امشب جنگ جدیدی میان رونالدو و مسی آغاز می‌شود. عدد ۶۷ برای رونالدو و مسی عدد خاصی است. این عدد شمار گول‌های هر دو بازی‌کن را که در لیگ قهرمانان اروپا به ثمر رساندند، نشان می‌دهد. امشب ریال و فردا شب بارسا در حالی کار خود را در لیگ قهرمانان آغاز می‌کنند که دوئل میان دو تیم تبدیل به یک دوئل تمام عیار میان مسی و رونالدو شده است.

رونالدو فصل گذشته در لیگ قهرمانان با به ثمر رساندن ۱۷ گول یک رکورد خارق‌العاده را به ثمر رساند و توانست که از نظر شمار گول‌های اروپایی با مسی برابری کند. حالا هر دو بازی‌کن فقط چهار گول تا رائولی فاصله دارند که ۷۱ گوله است و این روزها آماده آویختن کفش‌هایش در قطر می‌شود.

با توجه به روند دو بازی‌کن در لیگ قهرمانان در سال‌های اخیر رسیدن به رکورد رائول اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد اما باید دید که کدام یک زودتر این رکورد را به نام خود ثبت می‌کنند.

وراتی تا سال ۲۰۱۹ با پاری سنت ژرمن تمدید کرد

باشگاه پاری سنت ژرمن تایید کرد که مارکو وراتی، ستاره ایتالیایی این باشگاه، قراردادش را تا سال ۲۰۱۹ تمدید کرد. این ملی‌پوش ایتالیایی در سال ۲۰۱۲ از پسکارا به پی اس جی پیوست و در این مدت، ۸۸ بازی برای این باشگاه انجام داد و دو قهرمانی در لیگ فرانسه به دست آورد. او اکنون با تمدید قراردادش برای ۵ سال دیگر، قصد دارد به موفقیت‌های بیش‌تری با این باشگاه برسد.

وراتی بعد از امضای قرارداد، به سایت اختصاصی باشگاه پاری سنت ژرمن گفت: «می‌خواهم با این باشگاه به جام‌های بیش‌تری برسم؛ ضمن این‌که به پیشرفتم در کنار بازی‌کنان بزرگ ادامه بدهم. پاریس هم شهری جادویی است.»

ناصرالخلیفی، رئیس باشگاه پاری سنت ژرمن، هم با ابراز خشنودی از تمدید قرارداد وراتی، گفت: «هر سال، او علاقه زیادی برای تمدید قرارداد با پاری سنت ژرمن به مدت طولانی نشان می‌دهد. او یکی از بااستعدادترین بازی‌کنان نسل خود است. تمدید قرارداد او نشانه اشتیاق باشگاه برای آینده و ساختن یکی از بهترین تیم‌های اروپاست.»

هررا: دی‌ماریا یکی از بهترین بازی‌کنان دنیاست

بازی‌کن اسپانیایی که حساب خود در منچستر یونایتد را با یک گول در برابر QPR در روز یک‌شنبه باز کرد از تلاش هم‌تیمی‌های جدیدش به وجد آمده است. پس از پیروزی چشم‌گیر ۴-۰ تیم لوییس فان‌خال در بازی روز یک‌شنبه برابر QPR، آندر هررا خریدهای جدید منچستر یونایتد به‌ویژه آنخل دی‌ماریا را مورد تحسین قرار داد.

«آنخل یکی از بهترین بازی‌کنان دنیا ست. منچستر یونایتد همیشه باید بازی‌کنان درجه‌یک را داشته در اختیار باشد، و او یکی از بهترین‌ها ست. ما رادامل فالکائو را هم داریم، همچنین دالی بلیند، مارکوس روخو و لوک شاو. فکر می‌کنم ما یک تیم جدید داریم، اما در حال بهتر شدن هستیم. داریم سخت کار می‌کنیم و به ادامه‌ی فصل امیدوار ایم. فکر می‌کنم روخو و بلیند فوتبال خیلی خوبی بازی کردند. آن‌ها چند پاس خیلی خوب دادند و همیشه توپ را حفظ کردند. مارکوس میل تهاجمی خیلی خیلی زیادی دارد و این برای تیم خیلی مهم است. بلیند هرگز توپ را از دست نداد. ما خیلی خوش‌حال‌ایم، اما همچنان باید بهتر شویم.»

هررا که یک گول در این بازی به ثمر رساند، تاکید می‌کند که هدف او در یونایتد امتیاز است، نه گول: «البته که خوش‌حال‌ام. گول زدن در اولدترافورد، یکی از بهترین ورزشگاه‌های دنیا، مهم است. من از بابت گولی که زدم خوش‌حال‌ام، اما از پیروزی تیم خوش‌حال‌ترام. کاش این قدم اول ما باشد، مطمئن‌ام که هست. بازی‌های بعدی خیلی مهم هستند، چون ما می‌خواهیم در زودترین زمان ممکن به بالای لیگ برسیم.»

کالدرون: رونالدو از بودن در ریال خسته شده است

رامون کالدرون، رئیس سابق باشگاه ریال مادرید می‌گوید، کریستیانو رونالدو روز به روز از زندگی در ریال سرخورده‌تر می‌شود و می‌تواند به یک بازگشت احساسی به منچستر یونایتد علاقه‌مند شود.

ریال فصل را خیلی ضعیف شروع کرده و دو بازی از سه بازی نخستش در فصل جدید لالیگا را واگذار کرده است و رونالدو از بابت نتایج و نیز فروش بازی‌کنان کلیدی مثل آنخل دی‌ماریا و ژابی آلونسو ناراضی است. کالدرون کسی که خودش این مهاجم پرتغالی را به برنابئو آورده می‌گوید: «من حس می‌کنم که او از سیاست رئیس فعلی [فلورنتینو پرز] خسته شده است.» «وقتی او با [آرین] روبن [به ریال] آمد، فکر می‌کرد که آن‌ها هم‌بازی‌های خوبی برای هم در تیم خواهند بود [اما روبن را فروختند]. هیگواین را نیز فروختند و او از این کار خوشش نمی‌آمد. سال قبل او فکر می‌کرد اشتباه است که گذاشتند اوزیل از باشگاه برود، و آخرین نشانه فروش ژابی آلونسو و آنخل دی‌ماریا در این تابستان بود.»

بنا به گزارش‌ها منچستر یونایتد قصد دارد تا با یک پیشنهاد خیره‌کننده رونالدو را به بازگشت به اولدترافورد راضی کند، و کالدرون اعتقاد دارد که بازگشت به منچستر یک گزینه‌ی کاملا محتمل است. «یادم است وقتی سال ۲۰۰۹ با او قرارداد امضا کردم او گفت قدردان منچستر یونایتد است. او دوران بسیار خوبی آن‌جا داشته، همه‌چیز آن‌جا را دوست دارد. آن‌ها واقعاً یک باشگاه بزرگ هستند.»

فردیناند: تاکتیک‌های مویس شرم‌آور بود

ریو فردیناند مدافع کنونی تیم «کیو پی آر» که این فصل پس از ۱۲ سال بازی برای منچستر یونایتد، این تیم را ترک کرد؛ امروز در مصاحبه‌ای به شدت به دیوید مویس سرمربی فصل گذشته یونایتد تاخت و تاکتیک‌های او را شرم‌آور خواند. وی گفت: «او بصورت غیرعمد یک موج منفی را در درون تیم ایجاد کرده بود. موجی که در زمان فرگوسن کاملا مثبت بود. مویس به تدریج یونایتد را به یک تیم بازنده تبدیل کرد. از کار کردن زیر نظر او خوش‌حال نبودم و دیگر از فوتبال بازی کردن لذت نمی‌بردم.

برخی مواقع سیستم بازی ما به سمت توپ‌های قطری و سانترهای بی هدف پیش می‌رفت. تاکتیکی شرم‌آور برای تیمی مثل منچستریونایتد. او هیچ نوآوری برای یونایتد نداشت و تاکتیک‌های او گیج‌کننده بودند. گاهی بیش‌تر وقت ما صرف خنثی کردن نقشه حریفان می‌شد. ما پیش از او به پیروز شدن عادت کرده بودیم. برخی تصمیمات مویس حتی برای سلامتی بازی‌کنان نیز خطرساز بود.»

پاری‌سن‌ژرمن برای جذب رونالدو اقدامی نکرده

پیشتر گفته می‌شد که تیم ثروتمند PSG هم از جمله مشتریان رونالدوی ناراضی است، اما یک خبرنگار معتبر فرانسوی این ادعا را رد می‌کند. در چند روز گذشته صحبت‌هایی از انتقال ستاره‌ی سابق باشگاه منچستر یونایتد به غول‌های فرانسوی پاری‌سن‌ژرمن در زمستان شنیده می‌شد. اما روزنامه‌نگار معروف فرانسوی سیلوی دو ماسیدو این گزارش‌ها را بی‌اساس خواند.

او گفت: «این شایعه‌های مربوط به کریس رونالدو هر سال برمی‌گردند. تاجایی که ما می‌دانیم PSG هیچ قدمی برای به خدمت گرفتن او برنداشته است. آن‌ها درگیر قیدوبندهای ناشی از فیرپلی مالی هستند، چه‌طور می‌توانند این کار را بکنند؟»

این‌ها اخبار خوبی برای لوییس فان‌خال سرمربی جدید شیاطین سرخ خواهد بود. اما تقاضای دست‌مزد نجومی از طرف رونالدو می‌تواند مانع این مربی هالندی از تلاش برای جذب او باشد. بنا به گزارش‌ها رونالدو رقم خیره‌کننده‌ی ۵۰۰ هزار پوند در هفته پس از کسر مالیات را طلب کرده است.

زیدان: بنزما باید گول بزند

زین‌الدین زیدان، مربی کاستیا از کریم بنزما حمایت کرد. وی گفت: «در بازی بعدی گول می‌زند و همه چیز عوض می‌شود.» بنزما پس از به ثمر رساندن دو گول در ۱۸ بازی اخیر رئا مورد انتقاد است اما زیزو می‌گوید: «بنزما مهاجم شماره یک ریال است اما اخیرا گول نزده است. انتقادات همیشه وجود دارند. چه در ریال و چه در تیم ملی فرانسه باید گول بزند. این هم خودش می‌داند و هم بقیه. توقعات از او بیش‌تر است. پارسال به او نزدیک بودم. حالا دغدغه‌ام جای دیگری است و از او دور شده‌ام. در بازی بعدی گول می‌زند و شرایط عوض می‌شود.»

بازی‌کن اسبق ریال در مورد زندگی جدیدش به عنوان سرمرب کاستیای گفت: حس خوبی دارم. از ترکیب جوانی که در اختیار درم راضی هستم. می‌توانم دست به کارهای متفاوتی نسبت به زمان حضورم در تیم اصلی بزنم. از حضور در کنار آنچلوتی خیلی خوش‌حال بودم اما می‌خواستم که قدرت بیش‌تری داشته باشم. فرصت حضور در بوردو را داشتم اما این انتقال عملی نشد. می‌خواستم در کاستیا بمانم و این فرصت را از دست ندادم.

وی در مورد پیشنهاد بوردو اظهار داشت: با ژان لوئیز تریائود، مدیر این باشگاه در مادرید بحث کردم. به من گفت که خریدهای زیادی توسط این باشگاه انجام نمی‌شد. بعد از آن تصمیم خود را گرفتم. می‌خواستم امسال در کاستیا بمانم و بعد از آن ببینیم که چه می‌شود. انگیزه و هدف لازم برای حضور در یک تیم در سطح دسته اول لیگ‌های معتبر را دارم.

زیدان در مورد شرایط مشکل تیم فعلی خود، کاستیا گفت: «باید سخت تلاش کنیم تا اوضاع عوض شود. با شکست شروع کردیم اما پس از سه بازی بالاخره این هفته پیروز شدیم. از شاگردانم راضی هستم. تا کنون خوش شانس نبودیم و لیاقت‌مان بیش‌تر بود.»

جرارد: به دنبال قهرمانی در اروپا هستیم

کاپیتان لیورپول که پس از جام‌جهانی برزیل از تیم ملی انگلیس خداحافظی کرد، در گفت‌وگو با روزنامه دیلی‌میل درباره مسائل مختلفی به صحبت پرداخت. استیون جرارد با تمجید از لوئیس سوآرس که این فصل در بارسلونا توپ خواهد زد، گفت، سوآرس بهترین بازی‌کنی است که کنار او بازی کرده: «او فصل قبل گول‌های مهم و حیاتی زیادی را برای ما به ثمر رساند. سوآرس مهاجم تاثیرگذاری برای لیورپول است. از نظر من او حالا در اوج آمادگی به سر می‌برد و شایسته است که او را به عنوان بهترین بازی‌کن جهان انتخاب کنیم. مطمئن هستم سوآرس پس از پایان دوران محرومیتش بازگشت خوبی به فوتبال خواهد داشت. مسی در این فصل چند بار آسیب دیده است. کریستیانو رونالدو هم چند بازی را به خاطر آسیب‌دیدگی از دست داد. بنابراین سوآرس بهترین بازی‌کن است. او از غیبت مسی و رونالدو نهایت استفاده را برد و نشان داد که چه بازی‌کن توانایی است. اتفاقی را که در جام‌جهانی برای او رخ داد، باید فراموش کرد. این اتفاق برای هر بازی‌کنی تلخ است.»

جرارد با حمایت از وین رونی که به عنوان کاپیتان تیم ملی انگلیس انتخاب شده است، گفت: پس از بازنشستگی از تیم ملی انگلیس خیلی به این موضوع فکر کردم که چه کسی کاپیتان انگلیس شود و فردی بهتر از رونی به ذهن من نرسید. روی هاجسون به رونی ایمان دارد. زمانی که مهاجم منچستریونایتد تحت فشار بود، زمانی که حدس و گمان‌ها در مورد جایگاه او در تیم ملی انگلیس به اوج خود رسیده بود، مربی او را رها نکرد و به او بازی داد و این احترام بزرگی است که مربی برای بازی‌کن خود قایل است.

جرارد با تمجید از وین رونی ادامه داد: رونی یک رهبر است. رونی هر وقت برای تیم ملی انگلیس به میدان می‌رود با قدرت بازی می‌کند و هیچ‌گاه از زیر بار مسئولیت فرار نمی‌کند. قبل از بازی، او یکی از پر سر و صدا ترین بازی‌کنان تیم است. او از صحبت کردن و حرف زدن با دیگران نمی‌ترسد و انتظار خود از بازی‌کنان را به راحتی می‌گوید. علاوه بر آن رونی کاپیتان تیم باشگاهی خود نیز است و این خیلی مهم است. همه چیز او کامل بوده است که شخصی مانند لوییس فان‌خال او را به عنوان کاپیتان تیم انتخاب کرده است. فان‌خال این تصمیم را در طول پنج یا شش هفته گرفته است در حالی که هاجسون حداقل دو سال است که بازی‌های رونی را تماشا می‌کند و به نظر من باید هر چه زودتر رونی را به عنوان کاپیتان تیم ملی انگلیس انتخاب می‌کرد.

جرارد در پایان دوباره حضور در رقابت‌های لیگ قهرمانان اروپا گفت: پس از ۵ سال غیبت بار دیگر در لیگ قهرمانان هستیم و از این موضوع خیلی خوش‌حالم. به تیم‌های بزرگ هشدار می‌دهم که لیورپول این فصل اهداف بزرگی در سر دارد. به دنبال قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا هستیم و می‌خواهیم تیم‌های بزرگ را با عمل‌کرد خوب‌مان شگفت‌زده کنیم.

لوپز دو هفته خانه‌نشین شد

باشگاه میلان اعلام کرد که دیگو لوپز دروازه‌بان اسپانیایی این تیم آسیب دیده است و تا دو هفته نمی‌تواند در ترکیب اصلی تیمش قرار گیرد. میلان در هفته دوم رقابت‌های سری A توانست در یک بازی پر گول پارما را با نتیجه پنج بر چهار از پیش رو بردارد. در این دیدار دیگو لوئیس روی گول چهارم پارما اشتباهی مرگبار را انجام داد و نتوانست پاس مدافع تیمش را کنترل کند تا پارما به گول چهارم خود برسد اما در نهایت این میلان بود که بازی را به سود خود به پایان برد.

هر چند لوپز روی گول چهارم پارما مقصر اصلی بود اما در این صحنه پای او دچار کشیدگی شد و همین باعث شد تا نتواند واکنش خوبی داشته باشد. بعد از بازی رسانه‌های ایتالیایی از آسیب‌دیدگی طولانی مدت لوپز نوشتند و اعلام کردند که به احتمال زیادی سنگربان اسپانیایی ریال مادرید برای چند ماه از ترکیب اصلی تیمش دور خواهند ماند که این خبر بسیار بدی برای روسونری بود.

باشگاه میلان در بیانیه‌ای آسیب دیدگی لوپز را اعلام کرد، با این حال تاکید کرد که آسیب دیدگی او جدی نیست و به احتمال زیاد تا دو هفته دیگر به میادین برخواهد گشت.

این باشگاه ایتالیایی اعلام کرد که لوپز دچار کشیدگی عضله شده است و به همین خاطر دو هفته‌ای نمی‌تواند به میدان برود. میلان در حساس‌ترین دیدار هفته سوم رقابت‌های سری A هفته آینده در خانه از یوونتوس پذیرایی می‌کند که این دیدار تقابل آلگری با شاگردان سابق خود است. در این دیدار لوپز نمی‌تواند در ترکیب اصلی تیمش به میدان برود.

روزنامه اطلاعات روز

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
سردبیر: بشیر یاوری
دبیر خبر: نجیب الله نصیح
ویراستاران: بسم الله محبت و علی آرش
صفحه آرا: هادی دریابی

توزیع: مؤسسه جلوه
ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
آدرس: کابل، کارته سه، کوچه حقوق بشر
قیمت: ۱۰ افغانی
شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

چهارشنبه ◉ ۲۶ سنبله، ۱۳۹۳ ◉ سال سوم ◉ شماره ٦٦٨
Wednesday ◉ 17 September ◉ Year 03 ◉ Vol 668